

عفو بین الملل :

در ایران زندانیان سیاسی هنوز اعدام می شوند

سازمان عفو بین الملل جمهوری اسلامی را مسئول قتل مخالفین خود در خارج از کشور خواند

سالمست بدون هیچ گونه اتهام قانونی و یا محاکمه ای در بازداشت نگاه داشته شده اند. در این اطلاعیه به وضعیت دشوار ۲۰ تن از امضا کنندگان نامه ۹۰ نفره و ۸ تن از زنان زندانی وابسته به سازمانهای چپ که اسامی آنان قبلاً منتشر شده، اشاره گردیده است.

عبدالرحمن قاسملو و دکتر کاظم رجوی را به اثبات رسانده است. سازمان عفو بین الملل ضمن اشاره به نقض مکرر حقوق بشر در ایران خاطر نشان ساخته است که هنوز صدها نفر به خاطر اعتقادات سیاسی و فعالیت های غیر خشونت آمیز در زندانهای ایران به سر می برند. بسیاری از این زندانیان

زندانیان سیاسی هنوز در بندند و اعدام های دسته جمعی ادامه دارد. منتشر شده است. سازمان عفو بین الملل در این اطلاعیه تاکید کرده است که رژیم جمهوری اسلامی در قتل مخالفان سیاسی خود در خارج از کشور دست دارد و تحقیقات پلیس دست کم دخالت این رژیم در قتل دکتر

سازمان عفو بین الملل که یک سازمان سرشناس جهانی با هدف دفاع از حقوق زندانیان سیاسی است، با صدور اعلامیه ای در تاریخ هفتم نوامبر، رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی به شدت مورد انتقاد قرار داد. این اطلاعیه با عنوان "در ایران

دیدار غیرمنتظره ولایتی از بغداد

روابط پیش از اندازه صمیمانه دو رژیم نگرانی جامعه جهانی در مورد امکان شکستن پنهانی محاصره بین المللی علیه عراق توسط حکومت اسلامی را بار دیگر دامن زده است

ثبات و امنیت در طول خطوط مرزی انجام شده و مذاکرات برای نهایی کردن آن ادامه دارد. مطابق این گزارش روشن شدن وضعیت اسرای باقی مانده ایرانی یکی از موارد مورد تقاضای دولت ایران است و اگر ابهامات موجود در رابطه با اسیران باقی مانده ایرانی در عراق روشن شود، جمهوری بقیه در صفحه ۳

رسمی منتشره در این دیدار فعالیت های انجام شده برای هادی سازی روابط دو کشور مورد گفتگو قرار گرفت. قبل از این دیدار ولایتی مذاکرات مفصلی با طارق مزیز همتای عراقی اش انجام داد. رادیو تهران طی تفسیری بر این مذاکرات خاطر نشان ساخت: گفتگوهای متعددی بین دو کشور پیرامون مرزبانی هادی و برقراری شرایط

روز چهارشنبه ۲۳ آبان ماه علی اکبر ولایتی وزیر خارجه ایران به طور غیرمنتظره ای راهی بغداد شد و با صدام حسین رئیس جمهور این کشور دیدار کرد. ولایتی بلندپایه ترین مقام حکومت اسلامی است که پس از شروع جنگ از عراق دیدار کرده است. مقامات جمهوری اسلامی اعلام داشتند این سفر در پاسخ به سفر چندی پیش طارق مزیز وزیر خارجه عراق به تهران صورت گرفته است. رادیوی دولتی ایران در یکی از بخشهای خبری خود به نقل از خبرگزاری فرانس پرس گفت که ولایتی هنگام ورود به بغداد گفته است این سفر بیانگر تصمیم راسخ دو کشور همسایه برای عادی کردن و تحکیم روابطشان می باشد. خبرگزاری عراق نیز با جملاتی مشابه از این دیدار استقبال کرد و آرنشانه اراده مشترک ۲ کشور برای برقراری صلح و دورنمای آینده حسن هم جوار می خواند.

دیدار ولایتی با صدام حسین

علی اکبر ولایتی در نخستین روز ورود خود به عراق با صدام حسین رئیس رژیم این کشور دیدار کرد. بنابه گزارشات

صدام حسین :

برای صلح انعطاف نشان می دهیم

مراکش نامهای از سوی صدام حسین به پادشاه مراکش تسلیم کرده است. بدنبال دیدار کیان کی شن وزیر خارجه چین از عراق، یک سخنگوی چینی گفت صدام حسین در ملاقات با کیان کی شن برای پذیرفتن عقب نشینی هایی آمادگی نشان داده است. این سخنگو به نقل از صدام حسین بقیه در صفحه ۳

طه یاسین رمضان معاون نخست وزیر عراق هفته گذشته به منظور مذاکره پیرامون پیشنهاد ملک حسن پادشاه مراکش برای تشکیل اجلاس سران عرب جهت فیصله دادن به بحران خلیج فارس، به رباط پایتخت مراکش سفر کرد. وی گفت رئیس جمهور عراق در صورتی در یک اجلاس سران عرب شرکت خواهد جست که نظر عراق در مورد دماکن نشست و دستور آن مورد توجه قرار گیرد. این مقام عراقی افزود اجلاس سران عرب باید به همه مسائل اعراب، از جمله مسئله فلسطین بپردازد و نه تحریم های سازمان ملل علیه عراق.

ویلی برانت صدراعظم اسبق آلمان فدرال که چندی پیش از بغداد دیدار کرد، در هفته گذشته اظهار داشت در حل بحران خلیج فارس باید منافع عراق در نظر گرفته شود. برانت گفت عقب نشینی عراق از کویت، پیش شرط برقراری یک نظم مسالمت آمیز در خاور میانه است اما در احیای حاکمیت کویت باید راه حل هایی برای دعاوی ارضی عراق در برابر کویت پیدا شود. خبرگزاری عراق گزارش داد طه یاسین رمضان معاون نخست وزیر عراق در سفر به

رفسنجانی خطاب به زلزله زدگان شمال و جنوب کشور :

باز هم صبر کنید !



به انتظار نشسته اند، آسای پناهی خواهند یافت ؟ جمعی از زلزله زدگان اخیر شهرستان داراب فارس

نماینده رودبار :

مردم نگران و ناراحت هستند، وزارت کشور بجران شهرها را جدی بگیرد

شده و چند روستا نیز خسارات فراوان دیده اند. گزارشات اولیه حاکی است که در زمین لرزه شهرستان داراب نزدیک به ۲۵۰۰ واحد مسکونی کاملاً ویران شده است. هلیرفم وسعت ویرانی ها مقامات رژیم تعداد قربانیان زلزله در این شهرستان را تنها ۲۲ کشته و ۸۰ مجروح اعلام کرده اند و امداد رسانی های دولتی با تعلل در سطحی محدود که پاسخگوی نیازهای مردم زلزله زده نیست صورت بقیه در صفحه ۲

خبرهای رسیده از ایران نشانگر آن است که کار امداد رسانی به زلزله زدگان اخیر در داراب فارس و استان هرمزگان به حال خود رها شده است و مردم این دو منطقه با بی توجهی دولت در زمینه کمک رسانی مواجه هستند. رژیم از انتشار اطلاعات واقعی مربوط به تعداد قربانیان و میزان خسارات وارده به مناطق زلزله زده اخیر خودداری می کند. گفته می شود در جریان زلزله شهرستان داراب چند روستا با جمعیتی نزدیک به ۲۰۰۰ نفر به کلی ویران

بحران اقتصادی با شعار حل نمی شود

همه چیز به مردم وعده می دهند، جز افزایش حقوق ها و دستمزدها

حکومتی فراوان است.

آن روی سکه

وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم چیزی نیست که بتوان با حرفی-هراندازه که در این عرصه مهارت وجود داشته باشد- آنرا از چشم خود مردم پنهان ساخت، زیرا که این زندگی روزانه آنهاست. در جریان افشاکاری های جناحهای حکومتی علیه یکدیگر هرازگاه، به واقعیت تلخ زندگی مردم از دهان افراد حکومتی نیز اشاره ای می شود. سخنرانی های نمایندگان مجلس بویژه در روزهای اخیر که بازار افشاکاری ها داغ است، پر از اشاراتی به این واقعیات دردناک است. یکی می گوید: انجام مصاحبه ها و دادن آمار و ارقام، مشکلی را حل نکرده و نمی کند، افرادی در منطقه به اینجانب مراجعه نموده اند که به علت عدم توانایی در تهیه قلم و دفتر فرزندشان، کودکان معصوم خود را به مدرسه نفرستاده اند. دیگری اضافه می کند: مهاجرین بقیه در صفحه ۳

صنعت و کشاورزی بسیار مطلوب است و ۱۰ تا ۳۶ درصد در رشته های مختلف را شامل می شود. نقدینگی بخش خصوصی نیز بسوی تعادل پیش می رود. موجودی بانکها بالا رفته... وی افزود: درآمد ارزی در همان سطحی است که در برنامه پیش بینی شده است. البته درآمد ارزی در ۵ ماهه اول سال کمبود داشت، ولی این کمبود با بالارفتن قیمت نفت جبران شد. رشد نرخ تورم که در دوران جنگ شتاب زیادی داشت، از ۲۰ درصد سال قبل به ۸ درصد در سال جاری رسیده است. یعنی رشدگرانی کم شده است.

مطابق تصویر ارایه شده از جانب رئیس حکومت اسلامی اقتصاد کشور ما با سرعت سرسام آوری دوران بحران را پشت سر گذارده و اکنون با گامهای بلند به سوی رونق روان است و بزودی در جامعه ایران وفور نعمت خواهد شد. اینگونه تصویر سازی ها در سخنان و ادعاهای مسئولین ریز و درشت

مسئولان رژیم و در رأس آنان شخص هاشمی رفسنجانی تلاشهای گسترده ای را آغاز کرده اند تا به مردم بقبولانند که بحران اقتصادی روبه فروکش دارد، تولیدات افزایش یافته است، تورم مهار شده، گرانی کاهش یافته، کمبودها در حال برطرف شدن است و در یک کلام اقتصاد بیمار جمهوری اسلامی رو به سوی "تعادل" دارد.

ادعاهای بی شمار

هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه ۱۸ آبان ماه به بهانه ارایه لایحه متمم بودجه سال جاری کشور به مجلس شورای اسلامی طی سخنان مبسوطی پیرامون اوضاع اقتصادی کشور، لافهای بسیاری زد. رفسنجانی مدعی شد که: برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی شاخصهای اقتصادی کشور رو به بهبود است. وی گفت: کسری بودجه دولت بسیار کمتر از آن چیزی است که در قانون بودجه پیش بینی شده بود. رشد تولید در

در این شماره

۱۹ بهمن: بیستین سالگرد جنبش فدائیان

را هر چه باشکوه تر برگزار کنیم!

شعر امروز ایران

واقعیت فوئبال ایران

ادامه بازی با قیمت نفت

در صفحه ۲

در صفحه ۵

در صفحه ۶

در صفحه ۲

۱۹ بهمن

بیستمین سالگرد جنبش فدائیان را هر چه باشکوه تر برگزار کنیم!

جنبش فدائیان خلق که در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل اعلام موجودیت کرد، در آستانه بیستمین سالگرد تولد خود ایستاده است. فدائیان خلق در این ۲۵ سال راه پر فراز و نشیبی را پیمودند و متأسفانه از یک تن واحد به پاره‌های مختلفی تقسیم شدند. اما اینک همه فدائیان خلق علیه رژیم تقسیم شدن به سازمان‌ها و گروه‌های جداگانه، در اندیشه گرامیداشت شایسته بیستمین سالگرد حادثه‌ای هستند که همه ریشه از آن دارند.

کنفرانس کشوری نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان در اجلاس اخیر خود تصمیم گرفت که به برگزاری هر چه شایسته‌تر جشن بزرگداشت بیستمین سالگرد فدائیان خلق در خارج از کشور، بطور متمرکز، اقدام کند. در تماسی با دبیرخانه شورای مرکزی سازمان کسب اطلاع شد که شورای مرکزی با ارج‌گذاری بر اقدام نمایندگان آلمان، و پشتیبانی از تصمیم آنان در جهت برگزاری متمرکز جشن در خارج از کشور تصمیم گرفته است که همه فدائیان در داخل و خارج از کشور راه شرکت فعالانه جشنهای بزرگداشت بیستمین سالگرد فراخواند. طبق تصمیم شورای مرکزی، این بزرگداشت باید بگونه‌ای برگزار شود که بزرگداشت همه فدائیان خلق باشد و کوشش شود که بصورت مشترک با سایر سازمانها و گروه‌های وابسته به جنبش فدایی برپا گردد. جشن گرامیداشت بیستمین سالگرد باید جشن سیاسی و تجلیل از مبارزات فدائیان و تمام جنبش آزادیخواهان ایران باشد.

شورای مرکزی سازمان در این راستا تصویب نمود که فعالیت‌های تدارکاتی مربوط به بزرگداشت بیستمین سالگرد تأسیس جنبش فدائیان با شعارهای زیر جریان یابد:

۱- ۱۹ بهمن بیستمین سالگرد تولد جنبش فدائیان را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم!

۲- در بیستمین سالگرد تولد جنبش فدائیان یاد و رزم همه مبارزان راه آزادی را گرامی داریم.

کمتر از ۳ ماه تا فرارسیدن ۱۹ بهمن باقی است، بکوشیم تا در این زمان باقی نمانده، سنتها، ارزشها و اهداف انسانی، مردمی و میهن دوستانه فدائیان را ارج‌گذاریم، این ارزشها را صیقل دهیم و آنها را به بخشهای هر چه وسیع‌تری از هم‌میهنان خارج از کشور بشناسانیم و نشان دهیم که فدائیان خلق باز دودن زنگارها، مصمم و استوار بر سر پیمانها و ارزش‌های خود برای برپایی دموکراسی و عدالت در ایران ایستاده‌اند.

باز هم صبر کنید!

بتهیه از صفحه اول

صورت گرفته است. از سوی دیگر گزارشات رسیده از مناطق زلزله زده شمال کشور حکایت از آن دارد که دولت به غیر از تبلیغات پر سرو صدا کار جدی برای قربانیان این فاجعه انجام نداده است. مسلم میرزاپور نماینده رودبار در مجلس شورای اسلامی در سخنان پیش از دستور خود در مجلس این واقعیت را مورد تأکید قرار داد و جنبه‌هایی از کم کاری دولت در زمینه کمک به زلزله زدگان را برشمرد. به گفته وی دستگاه‌های اجرایی دولتی پس از مدت کوتاهی منطقه را ترک کرده‌اند و دیگر اثری از آنها در مناطق آسیب دیده مشاهده نمی‌شود. به گفته این نماینده تنها در ۳ شهر رودبار، منجیل و لوشان نزدیک به ۳ هزار نفر هنوز اسکان موقت نیز نیافته‌اند و در زیر باران گیلان و هوای سرد در چادرها زندگی می‌کنند. مردم از نظر آب آشامیدنی، بهداشت، درمان، مدرسه و حمام به شدت در مضیقه هستند. در زمینه عمران مناطق آسیب دیده تاکنون کوچکترین اقدامی صورت نگرفته است. مردم روستاها نیز برای نیازهای اولیه‌شان مثل آب آشامیدنی، حمام و برق در تنگنا هستند، بنابه گفته میرزاپور در مورد بازسازی که یکی از مهمترین مسایل زلزله زدگان است تا امروز هیچ‌گونه اقدام عملی صورت نگرفته است، نه وام برای بازسازی پرداخت شده و نه تأمین مصالح شده و مردم برای بازسازی منازل و یا محل کسبشان سرگردان و نگرانند.

و تا وقتی که مشکل وام و مصالح حل نشود عملاً باید گفت بازسازی متوقف است. مشکلی که اخیراً بانک‌ها در اعطای وام ایجاد کرده‌اند، وجود ضامن معتبر است. در منطقه‌ای که تبدیل به ویرانه شده است از کجا میشود ضامن معتبر پیدا کرد. این مشکل را باید دولت حل کند نه مردمی که هست و نیستشان را از دست داده‌اند. وضعیت مصالح مورد نیاز نیز به همین منوال است. طبق گفته همین نماینده تا امروز کمترین مصالح برای بازسازی و یا تعمیرات به منطقه وارد نشده است. میرزاپور در ادامه سخنان خود گوشه‌های دیگر از وضعیت دشوار زلزله زدگان را مورد اشاره قرار داد و گفت: مردم همه وسایل زندگیشان از بین رفته و تا امروز تأمین لوازم خانگی نشده‌اند و کوپن اوراق هم تا به امروز به مردم داده نشده است.

چنین است وضع زلزله زدگان شمال کشور پس از ۵ ماه. زلزله زدگان در فارس و هرمزگان از این نیز بیشتر مورد بی‌توجهی و بی‌اهتمامی دولت قرار گرفته‌اند. این در شرایطی است که هاشمی رفسنجانی پس از سفر اخیر خود به استان گیلان و سپس در نماز جمعه هفته گذشته اقدامات دولت در زمینه کمک به زلزله زدگان را بسیار خوب و "فوق تصور" نامیده است.

شرایط دشوار زندگی زلزله زدگان، عدم توجه دولت به خواسته‌ها و نیازهای آنان و دروغ‌های سران رژیم مردم

وزیر نفت هرستان:

کاهش جهانی تولید نفت جبران شده است.

ادامه بازی با قیمت نفت

نوسان قیمت‌های نفت در بازار جهانی ادامه دارد، بنابه گزارش‌های منتشره در لندن قیمت‌های نفت در اواخر هفته گذشته مجدداً افزایش قابل توجهی یافت. هنگام ختم معاملات نفتی بازار روز اروپا در روز سه‌شنبه هفته گذشته، بهای هر بشکه نفت خام برنت دریای شمال برای تحویل در ماه آینده میلادی به ۳۲ دلار و ۹۵ سنت رسید که نسبت به نرخ جلسه قبل یک دلار و ۵ سنت افزایش نشان می‌داد. بهای نفت خام سبک دوبی که نفت خام پایه خاورمیانه محسوب میشود با حدود یک دلار افزایش از بشکه‌ای ۲۸ دلار گذشت و نفت خام پایه آمریکا - وست تگزاس اینتر مدیت - هر بشکه ۳۲ دلار و ۱۲ سنت معامله شد که یک دلار و ۲۵ سنت افزایش داشت.

بهای نفت در این روز هر چند نسبت به یک هفته قبل از آن افزایش یافت، اما نسبت به سطح قیمت‌ها در اوایل آبان ماه نزدیک به ۲ دلار کاهش نشان می‌داد. نوسان قیمت‌های نفت، قبل از آنکه تابع نیازهای بازارهای اقتصادی باشد، ناشی از تحولات سیاسی و روانی مربوط به بحران خلیج فارس است. هر اظهار نظر مقامات طراز اول کشورهای درگیر در بحران، پیرامون احتمال وقوع جنگ یا چشم‌اندازهای مسالمت‌آمیز بطور مستقیم قیمت‌های نفت را تحت الشعاع قرار می‌دهد و آنها را بالا و پایین می‌برد، انحصارات بزرگ نفتی آمریکایی و اروپایی با شناور ساختن قیمت‌ها، بخش شایعات و اظهار نظرهای طریق مقامات دولتی وابسته به خود، بهای نفت را مطابق منافع خود دچار نوسان می‌سازند.

این بازی قیمت‌ها به ویژه نوسان قیمت‌های نفت، قبل از آنکه تابع نیازهای بازارهای اقتصادی باشد، ناشی از تحولات سیاسی و روانی مربوط به بحران خلیج فارس است. هر اظهار نظر مقامات طراز اول کشورهای درگیر در بحران، پیرامون احتمال وقوع جنگ یا چشم‌اندازهای مسالمت‌آمیز بطور مستقیم قیمت‌های نفت را تحت الشعاع قرار می‌دهد و آنها را بالا و پایین می‌برد، انحصارات بزرگ نفتی آمریکایی و اروپایی با شناور ساختن قیمت‌ها، بخش شایعات و اظهار نظرهای طریق مقامات دولتی وابسته به خود، بهای نفت را مطابق منافع خود دچار نوسان می‌سازند.

این بازی قیمت‌ها به ویژه نوسان قیمت‌های نفت، قبل از آنکه تابع نیازهای بازارهای اقتصادی باشد، ناشی از تحولات سیاسی و روانی مربوط به بحران خلیج فارس است. هر اظهار نظر مقامات طراز اول کشورهای درگیر در بحران، پیرامون احتمال وقوع جنگ یا چشم‌اندازهای مسالمت‌آمیز بطور مستقیم قیمت‌های نفت را تحت الشعاع قرار می‌دهد و آنها را بالا و پایین می‌برد، انحصارات بزرگ نفتی آمریکایی و اروپایی با شناور ساختن قیمت‌ها، بخش شایعات و اظهار نظرهای طریق مقامات دولتی وابسته به خود، بهای نفت را مطابق منافع خود دچار نوسان می‌سازند.

این بازی قیمت‌ها به ویژه

در ایران زندانیان سیاسی هنوز اعدام می‌شوند

بقیه از صفحه اول

این اطلاعیه موارد دیگری از شرايط غیر انسانی حاکم بر زندانهای ایران و رفتار وحشیانه بازندانین سیاسی را افشاش ساخته است. این اطلاعیه یکی از تندترین مواضع سازمان عفو بین الملل علیه رژیم حاکم بر ایران طی سالهای اخیر است و بار دیگر جهانیان را متوجه نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران ساخته است. موضع گیری اخیر عفو بین الملل برای رژیم که می‌کوشد در جهان خارج چهره ای معتدل و مورد قبول ارایه دهد بکلی غیر منتظره بوده است. این تلاشهای رژیم بویژه در ارتباط با سفر اخیر گالیندویل تشدید شد. حکومت اسلامی با پشتیبانی های غیر رسمی از گزارش هنوز منتشر نشده سفر گالیندویل که گفته می‌شود روی آن توافقات قابل قبولی

در جهت خواسته های رژیم صورت گرفته چنین وانمود می ساخت که در ایران روند دموکراتیزاسیون در جریان است. دولت رفسنجانی می‌کوشد این ادعا را به مثابه وسیله ای در جهت نزدیکی به غرب به کار گیرد. گزارش عفو بین المللی بازتاب واقعیت تکان دهنده فشارهای وحشیانه بر آزادیخواهان ایران است. در ایران هنوز آزادیخواهان را دستگیر میکنند، شکنجه می‌دهند و مخفیانه اعدام میکنند. در ایران هنوز از آزادی خبری نیست و ادعاهای سران رژیم و بدتر از آن امیدبستن به این ادعا ها، این واقعیت دردناک را تغییر نمی‌دهد.

می‌خواهم بحران شهرها را جدی فرض کنند. اما هاشمی رفسنجانی بی‌توجه به همه این واقعیات در نماز جمعه هفته گذشته، باز هم مردم مناطق زلزله زده را به صبر دعوت کرد.

مناطق زلزله زده شمال کشور را به شدت ناراضی، نگران و خشمگین ساخته است. نماینده رودبار در سخنرانی مورد اشاره خود به نارضایتی مردم هشدار داد و گفت: مردم نگران و ناراحت از اوضاعشان هستند. از وزیر کشور

تندروها معترض‌اند

موردانتقاد قرار دادند و اعلام کردند: انگلستان جرثومه فساد و هواره استعمار و استبداد در طول تاریخ بشر می‌باشد و این جایگاه آنقدر کثیف و این ماهیت آنچنان پلیده است که هیچ آب زم زمی آن را تطهیر نکرده و هیچ ضرورت سیاسی آن را از حافظه ملتچاپاک نمی‌نماید. تجدید رابطه با دولت انگلستان و ملاحظات سیاسی - اقتصادی فی‌مابین دو کشور به هیچ وجه نباید مانع از پرداختن به مفاد اختلاف دو کشور از جمله حکم اعدام سلمان رشدی ملعون، آزار و شکنجه مهرداد کوکبی و سایر دانشجویان زندانی در انگلستان و مجازات اعدام راجر کوپر جاسوس گردد.

آنچه که تندروها را بویژه برافروخته کرده است، تعهد پنهانی دولت رفسنجانی به دولت انگلیس در مورد به فراموشی سپردن حکم اعدام سلمان رشدی است. بنابه گفته مقامات انگلیسی این تعهد در جریان مذاکرات پشت پرده داده شده است. خط امامی‌ها که بدنبال درگیری‌های اخیر، دستشان از بسیاری از حلقه‌های تصمیم‌گیری در حکومت کوتاه شده، خشم و انتقاد خود را متوجه جنتی ساخته‌اند که بنظر مرسد نقطه ضعف دولت رفسنجانی است. با این همه بنظر نمی‌رسد که این انتقادات بتواند دولت رفسنجانی را از مسیر نزدیکی به غرب که رابطه با انگلیس در آن نقش پراهمیتی دارد منصرف سازد.

راه ثروت اندوزی

هزار تومان وام بانکی در خانه‌ای ۹۰ متری زندگی می‌کرد، اکنون چند شرکت تأسیس کرده است، ۲ واحد مسکونی و یک ساختمان تجاری ۴ طبقه در قم و ۳ ساختمان در تهران خریداری کرده است که دهها میلیون تومان ارزش دارند و... علی شریفیون به پرداخت حدود ۲۰ میلیارد ریال جریمه نقدی محکوم شده است. آیا پرداخت چنین جریمه‌ای برای او کار دشواری خواهد بود؟

علی شریفیون یک نمونه است. نمونه کوچکی که "گیر" افتاده است. نمونه‌های بزرگتری هم وجود دارند که کسی جرئت بازخواست از آنها را ندارد، دهها و صدها تن از سرمایه‌داران بازار و بخش خصوصی با استفاده از شرایط اقتصادی نابسامان کشور، و با سوءاستفاده از امکانات دولتی، ثروت‌هایی افسانه‌ای اندوخته‌اند و به بهای گرسنگی مردم کشور ما کاکها ساخته‌اند. اکثر این فارتگران در پیوند تنگاتنگ با مسئولان دولتی و با استفاده از امکانات بخش دولتی به چنین موقعیتی در جامعه دست یافته‌اند. شریفیون‌ها محصول پیوند دولت و بازار در حکومت اسلامی هستند.

علیرغم گذشت بیش از یک ماه از تجدید مناسبات میان ایران و انگلیس و بازگشایی سفارتخانه‌ها در پایتخت‌های دو کشور که دو هفته قبل صورت گرفت، از سرگیری مناسبات جمهوری اسلامی با انگلستان همچنان مورد مخالفت شدید تندروها قرار دارد. نمایندگان وابسته به این جناح در مجلس به این سیاست به شدت انتقاد می‌کنند. موسوی نماینده مجلسی در جلسه یکشنبه ۱۳ آبان مجلس، بار دیگر این مخالفت را بر زبان راند و گفت: انتقاد به دولت عرض می‌کنم که من بالشخصه هیچ چیزی در حضور انگلیس که مسلماً از آمریکا بدتر است، آن هم در سطح سفارت در این مملکت نمی‌بینم و اگر ریاست محترم جمهوری و وزیر محترم امور خارجه خبری از این اقدام سراغ دارند، برای نمایندگان و مردم روشن بفرمایند. نشریه کیهان هوایی نیز در شماره اخیر طی مقاله‌ای رابطه‌گیری با سفارت انگلیس را مورد حمله قرار داد.

تندروها پافشاری بر حکم اعدام سلمان رشدی و راجر کوپر که به اتهام جاسوسی در زندان اوین در بازداشت است - و هم چنین آزادی مهرداد کوکبی تروریست وابسته به جمهوری اسلامی را وسیله اختلال در مناسبات دو رژیم قرار داده‌اند. در قطعنامه راه‌پیمایی ۱۳ آبان در تهران، خطاهای هابار دیگر به شدت سیاست خارجی دولت رفسنجانی در این زمینه را

ثروت اندوزی در آشفته بازار جمهوری اسلامی کار آسانی است، به شرط آنکه انسان جزو خواص باشد، با مسئولین و مدیران دولتی زدو بند داشته باشد و از انسانیت و اخلاق نیز بویی نبرده باشد.

یک نمونه از طریق ثروتمند شدن، راهی است که فردی بنام علی شریفیون پیموده و ماجرایش در مطبوعات منعکس گردیده است. وی باز دوندی که با برخی از کارکنان اداره کل صنایع استان مرکزی داشت، ۴۰۰ میلیون ارز دولتی (۲ میلیون دلار آمریکا، ۷۰۵ هزار مارک آلمان، ۸۲۸ میلیون ین ژاپن و ۳۵۷ هزار کرون دانمارک) به دست آورد و با این ثروت هنگفت پارچه و مواد "پی وی سی" مخصوص تولید پوشاک وارد کشور کرد. وی با کمک همدستانش قسمت اعظم کالاهای وارداتی را در بازار آزاد به فروش رساند و حتی ماشین‌آلاتی را که با امکانات دولتی وارد کرده بود، دست نخورده و اکبند برای فروش نگاه داشت.

شریفیون ۳ میلیون متر پارچه وارداتی را که قیمت دولتی آن متری ۱۵۰ تا ۴۵۰ ریال بود به قیمت متری ۱۴۰۰ تا ۳۰۰۰ ریال فروخت. نتیجه روشن است: آقای علی شریفیون، فردی که قبلاً با استفاده از ۱۵۰

دیدار غیرمنتظره ولایتی از بغداد

سازمان ملل متحد فرستاد و بار دیگر تعهد نمود که تحریمهای بین‌المللی علیه عراق را رعایت خواهد کرد. در این نامه گفته شده که اجرای این تحریمها از سوی شورای عالی امنیت ملی برعهده وزارت کشور و نیروهای نظامی قرار گرفته است. حکومت اسلامی خاطرنشان ساخته که هرگونه نقل و انتقال کالا و پول بین ایران و عراق قطع شده و شورای امنیت ملی از بانکها خواسته است نقل و انتقال پول با کویت را نیز قطع کنند.

واقعیت این است که نگرانی‌های جامعه جهانی چندین نیز بی‌زمینه نیست. حکومت ایران حکومتی متعادل به شمار نمی‌آید. این حکومت که تا چندی پیش خصمانه‌ترین مواضع علیه عراق را داشت اکنون و در شرایط تحریم جهانی علیه رژیم متجاوز آن کشور، روابط گری را با دشمن دیرینه برقرار کرده است که هر ساخت و پاختی در آن امکان پذیر است. عادی شدن رابطه ایران و عراق که ۸ سال علیه یکدیگر جنگیدند، البته با منافع مردم و کشور ما مطابق است، اما این روابط نباید بگونه‌ای پیش رود که در انزوای جهانی رژیم عراق شکافی وارد سازد و نباید از این دیکتاتور خون‌آشام که تنها به دلیل وضعیت دشوار خود قرارداد صلح با ایران را پذیرفت، چهره‌ای فیر و واقعی و صلح‌طلبانه ارایه دهد و از هزم راسخ آن در مورد بهبود مناسبات با ایران سخن بگوید.

تورگوت اوزال در تهران

امریکا گفت بحرانی که از هنگام روی کار آمدن جمهوری اسلامی در روابط ۲ کشور بوجود آمده هنوز بر طرف نشده و حالت فوق‌العاده باید ادامه یابد. هلیکوپتر این گونه اظهار نظرهای رسمی تردیدی وجود ندارد که در پس پرده تلاشهای فراوانی از دو سو برای بهبود مناسبات بین آمریکا و جمهوری اسلامی در جریان است.

جمهوریخواه بوش در هفته‌گذشته از رئیس جمهور آمریکا خواست شرایط کاربرد نیروی نظامی از جانب ایالات متحده در منطقه خلیج فارس را دقیقاً روشن کند. سناتور دول یکی دیگر از رهبران جمهوریخواهان خواستار تشکیل اجلاس اضطراری کنگره آمریکا برای رسیدگی به اوضاع در خلیج فارس شد. یک سخنگوی کاخ

بقیه در صفحه ۷

تلاشی در جهت تعادل اقتصادی ایستاده است. نفوذش در حکومت و حکومتش در اقتصاد پشتوانه این ایستادگی است.

دولت رفسنجانی شاید با پول نفت و کمک غرب به راستی نیز موفق به گشایشهای اقتصادی معینی در آینده بشود، اما این گشایشها رونق اقتصادی نیست، رفهرمایی در وضعیت بحرانی کنونی است، به مردم چه خواهد رسید؟ شاید کاهی از کوهی که بر دوش آنان سنگینی می‌کند برداشته شود.

پیام خامنه‌ای به ولایتی

نزدیکی و صمیمیت بیش از انتظار میان دو رژیم با مخالفت جناحهای تندروی حکومت مواجه شده است. این نیروها از مجموعه سیاست‌های خارجی دولت رفسنجانی و از جمله سیاست او در قبال صدام حسین به شدت ناراضی و برافروخته‌اند. برای خنثی کردن این نارضایتی که بخصوص متوجه وزارت خارجه شده و شوک حاصله از سفر ناگهانی ولایتی به بغداد، خامنه‌ای با ارسال نامه‌ای به وزیر خارجه رژیمش تلاشهای او در جهت تحقق روند صلح را مورد پشتیبانی شدید قرار داد و آنرا "خدمتی ماندگار و بزرگ" خواند. خامنه‌ای در این نامه از "نقش‌حالی و تعیین‌کننده" رفسنجانی در این رابطه قدرانی کرد و مدعی شد که وی به "تأییدات الهی مستظمر" است!

نامه جمهوری اسلامی به دبیر کل سازمان ملل

سخنان ایراد شده در جریان سفر ولایتی به بغداد و گرمای بیش از انتظار ایجاد شده بین دو رژیم جامعه جهانی را نیز در نگرانی فرو برد و بار دیگر آنرا متوجه احتمال نقض تحریمهای بین‌المللی علیه عراق از سوی جمهوری اسلامی نمود. حکومت ایران به منظور رفع سوءظن‌های پدید آمده همراه با پایان سفر دو روزه ولایتی نامه‌ای به دبیرکل

هملکرد نیروهای وابسته به سازمان ملل متحد (یونیمک) را که در مرز دو کشور مستقر هستند بررسی خواهد کرد. مأموریت این نیروها در ۲۹ آذرماه سال جاری به پایان می‌رسد. گفته می‌شود که در صورت تمایل دو کشور شورای امنیت مأموریت آنها را تمدید خواهد کرد و در غیر این صورت این نیروها برای همیشه مرزهای دو کشور را ترک خواهند کرد.

آغاز فصلی تازه؟

خبرگزاری عراق در تفسیری پیرامون سفر ولایتی به این کشور اعلام کرد: وزرای خارجه ایران و عراق تاکید کرده‌اند که فصل جدیدی در روابط دو کشور گشوده شده است. سخنان رد و بدل شده میان وزرای خارجه دو کشور که بسیار دوستانه و صمیمانه ابراز شده را میتوان در همین جهت ارزیابی کرد. لحن مقامات حکومت تهران هیچ‌گاه تا این اندازه نسبت به دشمن دیرینشان گرم و دوستانه نبوده ست. اکنون در تهران می‌کوشند که همه تبعات ناشی از سیاست خصمانه گذشته را از میان بردارند. شعارهای ضدصدامی در سخنرانی‌هایی که از خمینی پخش می‌شود، حذف شده است. در روزنامه‌ها چنین القا می‌کنند که توان نظامی و اقتصادی عراق که تا چندی پیش بیرحمانه برای انهدام آن می‌کوشیدند- جزئی از توان نظامی و اقتصادی دنیای اسلام است. از رژیم عراق و صدام حسین چنان سخن می‌رود که گویی میان دو کشور هرگز جنگی درکار نبوده است.

صدام حسین :

برای صلح انعطاف نشان می‌دهیم

دبیرکل سازمان ملل در صدد بوده است نماینده ویژه‌ای به عراق بفرستد اما عراق با این سفر مخالفت کرده است. تا اواسط هفته گذشته، از میان اعضای اتحادیه عرب موریتانی، سودان و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) برای شرکت در یک اجلاس سران اعلام آمادگی کرده بودند. دبیرکل شورای همکاری خلیج، متشکل از شیخ نشین‌های کرانه خلیج فارس، در واکنش در مقابل پیشنهاد ملک حسن گفت این پیشنهاد، دیر مطرح شده است. مبارک رئیس جمهور مصر با این استدلال با برگزاری اجلاس سران عرب مخالفت ورزید که این اجلاس به "نشست دشنام‌ها" تبدیل خواهد شد. درعین حال حسنی مبارک هفته گذشته بطور غیرمنتظره در

آشکارتر می‌شود.

گاه در برابر گوه

افزایش قیمت نفت و نزدیکی به قرب فی‌الواقع نیز دست دولت را برای مقابله با بحران باز کرده است، اما اگر دولت بخواهد، دولت رفسنجانی نمی‌خواهد و نمی‌تواند بحران را با استفاده از افزایش درآمد نفت و برقراری رابطه متعادل با جهان خارج به سود مردم حل کند، زیرا مسایل مردم در چه چندم اهمیت برای این دولت دارد. هزینه‌های تسلیحاتی، امور تبلیغاتی، ریخت و پاش‌های فراوان، تسلیح

بقیه از صفحه اول اسلامی هزاران اسیر عراقی را بطور یکجانبه آزاد خواهد ساخت. کار مبادله اسرا از شهریور ماه گذشته متوقف مانده است و دو کشور در مورد تعداد اسرای باقی‌مانده ایران در عراق اختلاف نظر دارند. این اختلاف عمدتاً شامل پناهندگان ایرانی به عراق می‌باشد که دولت اسلامی خواستار استرداد آنهاست.

تقاضاهای حکومت اسلامی

به‌غیر از مسایل مربوط به هادیسازی اوضاع مرزی دو کشور واز سرگرفته شدن مبادله اسرا، به‌گزارش برخی از روزنامه‌های خارجی رژیم اسلامی تقاضاهای دیگری را نیز طرح کرده است. گفته می‌شود که مقامات دولتهای غربی نیز از حکومت ایران خواستارند تا در جریان سفر ولایتی به بغداد صدام حسین را برای آزادی گروگانهای غربی تحت فشار قرار دهد. برخی از ناظران سیاسی معتقدند که سفر ولایتی به بغداد نشانگر تعجیل در آزاددهایی صلح، قبل از شروع احتمالی جنگ در خلیج فارس و حوادث غیرقابل پیش‌بینی ناشی از آن می‌باشد. این قرارداد باید مواردی نظیر شناسایی حاکمیت ایران بر نییمی از شط العرب و هم چنین پرداخت خسارات جنگی از سوی عراق به ایران را در برگیرد.

همزمان با دیدار ولایتی از بغداد اعلام شد که دستیار دبیرکل سازمان ملل متحد در امور ویژه سیاسی اواخر آبانماه به تهران و بغداد سفر خواهد کرد. وی

بقیه از صفحه اول گفت: "عراق به خاطر صلح آماده نرمش‌هایی است." سخنگوی چینی افزود رئیس جمهور عراق در دیدار با وزیر خارجه چین اعلام آمادگی کرده است که دست به "تلاشهای بیشتری برای حل مسالمت‌آمیز بحران خلیج فارس بزند."

خاویر پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد در توکیو اظهار امیدواری کرد که یک اجلاس سران عرب به حل مسالمت‌آمیز و عادلانه بحران خلیج فارس بیانجامد. دبیرکل سازمان ملل در عین حال تاکید کرد که این سازمان مجال چندانی برای مذاکره ندارد. پرز دو کوئیار گفت عراق کماکان خود را سازش ناپذیر نشان می‌دهد. وی افزود که به‌هنوان

بیش از هفته قبل تر آن) و مارک آلمان از ۱۵۰ تومان گذشت (ایضا) ۳ تومان افزایش نسبت به هفته قبل)، بانک مرکزی نیز مجبور شد نرخ دلار برای گشایش اعتبار بازرگانی را ۵ ریال افزایش دهد و به ۱۳۵/۵ تومان برساند. ارز که گران می‌شود یعنی ریال سقوط می‌کند و همراه با آن قیمت‌ها نیز گران می‌شوند. زیرا که بنابه اعتراف روزنامه دولتی نوسان ارز میزان و معیاری شده است برای تعیین قیمت اقلام و ارزاق موجود. با یک چنین گرانی سرسام‌آور قیمت ارز بی‌پایگی ادهای رئیس حکومت در مورد تعادل اقتصادی و کاهش نرخ گرانی

"اکثریت" در تنگنای مالی

نشریه "اکثریت"، در هفتمین سال حیات خود با دشواری‌های روزافزونی مواجه شده است. این دشواری‌ها که عمدتاً دشواری‌های مالی می‌باشند طی چندماهه اخیر تا حد نگران‌کننده‌ای تشدید شده‌اند، بطوری که ادامه انتشار نشریه به روال کنونی مورد تهدید جدی قرار گرفته است.

تیراژ نشریه اکثریت در سطحی است که بتواند نیازهای مالی نشریه را بخوبی برطرف سازد، اما متأسفانه هنوز و پس از تلاشهای فراوان رابطه درست و منطقی بین نشریه و خوانندگان برقرار نشده است و این رابطه برپایه رابطه اقتصادی بین نشریه و خریدار قرار نگرفته است. بخش عمده‌ای از "اکثریت" هنوز از کانالهای تشکیلاتی و ارتباطات سازمانی توزیع می‌شود و متأسفانه بخش قابل ملاحظه‌ای این بخش از توزیع به نشریه باز نمی‌گردد و همین امر موجب شده که تنگنای مالی هفته به هفته ادامه انتشار نشریه به وضع کنونی را با دشواریهای بیشتری مواجه سازد. این وضع و بی‌توجهی بسیاری از مسئولین سازمانی توزیع در کشورها، موجب شده است که نشریه‌ای که علی‌القاعده میتواند از نظر مالی بخوبی خود را تامین کند، ماهانه چندین هزار مارک سوئیس از صندوق مرکزی سازمان دریافت کند و روشن است که با تنگنای کنونی مالی، امکان ادامه این وضع - نه برای مدتی طولانی - که حتی در چشم انداز بسیار نزدیک - نزدیکتر از تصور بسیاری امکان پذیر نیست. بخش توزیع نشریه چندی پیش، با تاسف بسیار، مجبور شد بخشی از آبونه‌هایی را که وجوه نشریه را پرداخت نکرده‌اند، قطع کند، ادامه این وضع "اکثریت" را مجبور خواهد ساخت که هلیکوپتر خود، تدابیر باز هم جدی‌تری اتخاذ کند و احتمالاً در انتشار هفتگی نشریه تجدیدنظر نماید. در این شرایط به واقع دشوار است که "اکثریت" مجبور شده است از این طریق دست‌یاری به سوی خوانندگان و بویژه مسئولین توزیع در کشورها دراز کند و از آنها بخواهد که در پرداخت وجوه عقب‌مانده بهای نشریه و همچنین پرداخت به موقع وجوه از این بعد، شتاب، و بسیار نیز شتاب کنند، زیرا همانگونه که گفتیم، مشکل مالی و تنگنای ناشی از آن نه پیش‌بینی یک خطر برای آینده، که حادثترین دشواری انتشار هر شماره نشریه می‌باشد.

ادامه انتشار نشریه "اکثریت" به روال کنونی تنها در شرایطی امکان پذیر خواهد بود که این نشریه بتواند بهای هر شماره خود را به موقع دریافت کند. امیدگر دانندگان نشریه این است که خوانندگان، این شرایط بسیار دشوار را درک کنند و به یاری "اکثریت" بشتابند.

بحران اقتصادی با شعار حل نمی‌شود

مستولان رژیم از حرکت می‌ایستد. در مورد همه چیز وعده می‌دهند، در مورد افزایش حقوق‌ها و دستمزدها حتی وعده نیز داده نمی‌شود. حتی آقای هاشمی رفسنجانی مبلغ ششایه یک بعبود وضع اقتصادی کشور نیز به اینجا که می‌رسد تنها می‌تواند مردم را به صبر و تحمل دعوت کند: ما می‌دانیم که هنوز تا قیمت‌های واقعی فاصله داریم و هنوز درآمد مردم بخصوص حقوق‌بگیرها با قیمت‌هایی که وجود دارد فاصله زیادی دارد که این مسئله صبر و تحمل لازم دارد تا گام به گام به اهداف اقتصادی برسیم.

میزان و معیار

اقتصاد اسلامی

سرمقاله نویس روزنامه اطلاعات در سرمقاله‌ای به مناسبت سالگرد تسخیر سفارت آمریکا می‌نویسد: این نمی‌شود که مالانه آنها را فتح کنیم و آنها خانه ما را! این نمی‌شود که ما هلیکوپتر آن پیام‌وآن دعوت بزرگ و سبلیک در سیزدهم آبان ۵۸، پس از سالها امروز در برابر نوسانات شدید ارزی-ریالی چنین نوسان پذیر باشیم، تا آنجا که نرخ رایج در چهارراه استانبول (تاچه رسد به خود استانبول!) بصورت میزان و معیاری برای اقتصاد کشور ما و حتی برای تعیین قیمت اقلام و ارزاق موجود در پستوی مغازه‌ی حسنعلی‌خان در فلان محله و فلان کوچه درآمده باشد. اما این شده است. نوسانات ارزی شاخص اقتصاد جمهوری اسلامی، ارزش ریال و توان واقعی این اقتصاد می‌باشد. مطابق گزارشات رسیده از ایران بهای ارز طی هفته گذشته بطور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. دلار به ۱۴۸ تومان رسید (۳ تومان

بقیه از صفحه اول ما در شهرکها با قوت لایموت و کمک هزینه چهارصد تومانی زندگی رقت‌آوری دارند. سومی فاش می‌سازد که از ۱۷۰ روستای یکی از مناطق حوزه انتخابیه‌اش تنها یک روستا دارای برق است. آمارهای دولتی هم فاجعه را بهتر نشان می‌دهند. از تورم ۱۶۰۰ درصدی سخن در میان است. ۲۲ میلیون نفر در ایران مطابق با استانداردهای بین‌المللی - گرسنه‌اند. خانوارها ماهانه ۴ هزار تومان کسری درآمد دارند. نزدیک به ۶ میلیون نفر بیکار و یا نیمه بیکارند... از اینگونه آمارها نیز فراوان است.

گرانی

همچنان بیداد می‌کند.

واقعیت تلخ زندگی مردم، مربوط به سالهای نزدیک گذشته نیست. واقعیت همین امروز است. در حالیکه رئیس حکومت اسلامی از کاهش نرخ تورم به میزان ۱۲ درصد و کاهش رشد گرانی به همین میزان سخن می‌گوید، رشد صعودی قیمت‌ها هم چنان ادامه دارد. "بحران پیاز و سیب‌زمینی" و رشد انجاری قیمت آنها، هنوز فراموش نشده است. مطابق گزارشهای رسیده از ایران همه چیز از خود ولولیا و برنج گرفته تا شیر خشک و روغن نباتی و وسایل برقی هم چنان روبه گرانی می‌رود، مردم نتایج رشد ۳۶۰ درصدی تولیدات ادعایی را در بازار و زندگی خود لمس نمی‌کنند کمبود کالاها واقعیت روزمره زندگی مردم است.

و این گرانی و کمبود در شرایطی است که خبری از افزایش دستمزدها و حقوق‌ها به گوش نمی‌رسد. موضوع به این نقطه که می‌رسد ناگهان زبان در دهان

برگزیده شعر امروز ایران

تلقی ما از شعر امروز می تواند اشعار شاعرانی باشد که همین امروزه می سرایند. نیز می توان گستره زمانی شعر امروز ایران را فراتر، یعنی تا آن هنگام که پایه های آن، بنا نهاده شد دانست. ما بر این تعبیر دوم هستیم. پس، از پایه های بنای آن آغاز می کنیم.

تاکنون هر جا و هر بار که به شعر امروز ایران پرداخته اند، از نیما آغاز کرده اند؛ جز یک کتاب و یک نویسنده. کتاب "روشن تر از خاموشی" که برگزیده شعر امروز ایران است و به همت آقای مرتضی کاخی در زمستان ۶۸ انتشار یافته، با شعری از دهخدا آغاز شده است. "به رسم تیم و تبرک" و با "نام نامی و شهر ارجمند شادروان استاد علی اکبر دهخدا".

مانیز، به همان رسم و به همان قصد، از دهخدا آغاز می کنیم:

یاد آرزو شمع مرده یاد آر!

علی اکبر دهخدا

(۱۲۹۷ ه. ق. ۱۳۳۴ ه. ش.)

در روز ۲ جمادی الاولی ۱۳۲۶ قمری مرحوم میرزا جهانگیرخان شیرازی رحمه الله علیه، یکی از دودمیر «صو سراقیل» را قزاقهای محمدمعلی شاه دستگیر کرده، بیاغ شاه بردند و در ۲ همان ماه در همانجا او را بطناب خفه کردند.

بیست و هفت هشت روز دیگر چندی از آزادیخواهان و از جمله مرا از ایران تبعید کردند و پس از چند ماه با خرج مرحوم میرزا ابوالحسن خان معاضد السلطنه پیرتپا بنا شد در «ایوردن» سوئیس روزنامه صو سراقیل طبع شود.

در همان اوقات شبی مرحوم میرزا جهانگیرخان را بخواب دیدم در جامه سپید (که عاده در طهران در برداشت) و بمن گفت: «چرا نگفتی او جوان افتاد!» من از این عبارت چنین فهمیدم که می گوید: چرا مرگ مرا در جانی نگفته یا ننوشت ای؟ و بلافاصله در خواب این جمله بخاطر من آمد: یاد آر ز شمع مرده یاد آر! در اینحال بیدار شدم و چراغ را روشن کردم و تا نزدیک صبح سه قطعه از مسقط ذیل را ساختم، و فردا گفته های شب را تصحیح کرده و دو قطعه دیگر بر آن افزودم و در شماره اول «صو سراقیل» منطبعة «ایوردن سوئیس» چاپ شد.

ع. ا. دهخدا

گل سرخ و به رخ عرق ز شبنم
توداده ز کف زمام تمکین،
زان نوگل پیشرس که در غم
ناداده به نار شوق تسکین،
از سردی دی فسرده، یاد آر!

ای همره تیه پور عمران
بگذشت چو این سنین معدود،
وان شاهد نغز بزم عرفان
بنمود چو وعده خویش مشهود،
وز مزبج زر چو شد بکیوان
هر صبح شمیم غنبر و عود،
زان کو بنگاه قوم نادان
در حسرت روی ارض موعود،
بر بادیه جان سپرده، یاد آر!

چون گشت ز نوزمانه آباد
ای کودک دوره طلائی!
وز طاعت بندگان خود شاد
بگرفت ز سر خدا، خدائی،
نه رسم ارم، نه اسم شداد
گیل بست زبان را ز خائنی،
زان کس که ز نوک تیغ جلا
مأخوذ بجرم حق ستائی،
تسنیم وصال خورده، یاد آر!

ای مرغ سحر! چو این شب تار
بگذشت ز سر سیاهکاری،
وز نفحه روح بخش اسحار:
رفت از سر خفتگان خماری،
بگشود گره ز زلف زرتار
محبوبه نیلگون عماری،
یزدان به کمال شد پدیدار
و اهریمن زشتخو حصاری،
یاد آرزو شمع مرده یاد آر!

ای مونس یوسف اندرین بند!
تعبیر عیان چو شد ترا خواب،
دل پر ز شمع، لب از شکر خند
محسود عدو، بکام اصحاب،
رفتی بر یار و خویش و پیوند
آزادتر از نسیم و مهتاب،
زان کوه همه شام با تو یکچند
در آرزوی وصال احباب،
اختر بسحر شمرده، یاد آر!

چون باغ شود دوباره خرم
ای بلبل مستمند مسکین!
وز سنبل و سوری و سپرغم
آفاق، نگارخانه چین،

آنچه خود داشت زیگانه تمنای کرد!

فریدون تنکابنی

سال های گذشته یکی دو سه گروه رقص پا گرفته بود یا داشت می گرفت. اما از آنجا که هر کدام از آن ها وابسته به یک گروه سیاسی بود، با پیش آمدن اختلاف در آن گروه ها و از فعالیت افتادن آن ها، کار آن گروه های هنری هم متوقف شد.

حالا که خوشبختانه تب گروه های سیاسی شرق کرده، به جاست اگر دست اندرکاران و هنرمندان و هنردوستان همت کنند و یک گروه رقص بزرگ و آبرومند و اصیل و مستقل به وجود آورند تا ما ایرانیان ناچار نباشیم آنچه خود داریم از بیگانگان تنها کنیم.

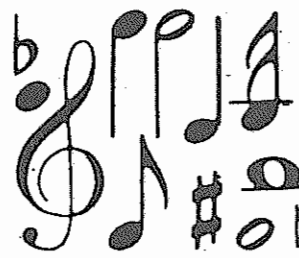
مطالعه هملی پرداخته است. از فعالان خانه فرهنگی ایران که پس از مدت ها، بادهوت از این گروه، ضیافتی چشم نواز برای هموطنان فراهم کردند، جز با سپاسگزاری و حق شناسی نمی توان سخن گفت.

اما سخن من چیز دیگری است. آیا ما ایرانیان باید رقص های خود و همسایگان هم ریشه و هم فرهنگ خود را با واسطه هنرمندان بیگانه تماشا کنیم؟ آیا این همه ایرانی که در شهر کلن (و شهرهای دیگر آلمان و اروپا) هستند، نمی توانند یک گروه رقص ملی و فولکلوریک به وجود آورند؟

تا آنجا که من خبر دارم، در

روز ششم اکتبر، به همت خانه فرهنگی ایران در کلن، جشن مهرگان برپا شد. برنامه جشن را رقص های شرقی (ارمنی، تاجیکی، ازبکی، افغانی، هندی، ایرانی، قاجاری و بندری) تشکیل می داد که یک گروه آلمانی به سرپرستی و با شرکت خانمی آمریکایی آن را اجرا می کرد.

رقص ها بسیار زیبا اجرا میشد و نشان می داد که سرپرست گروه چقدر در این زمینه تحقیق و تجربه و مطالعه و بررسی کرده است. و چنان که گفته شد گویا ایشان دو سه سالی در این نواحی - ترکیه و ایران و افغانستان - به



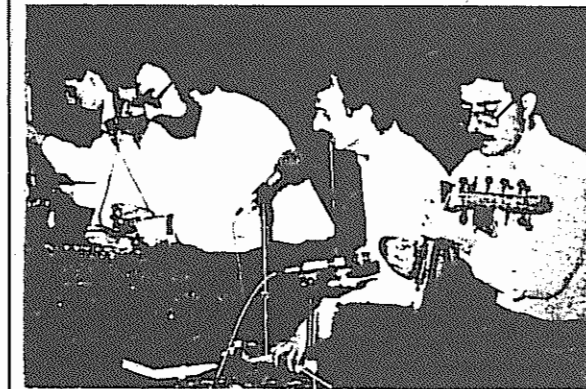
کنسرت

کنسرت گروه تنبور نوازان

گرفت. کنسرت گروه تنبور نوازان و ماهنگی پنجه های گشوده نوازندگان که با ظرافت تمام بر سیم های تنبور نواخته می شد برای تماشاگران تازگی داشت و زیبا بود.

که ساز تخصصی اش ستور است، با ساز کوبی قدیمی تاس و اردشیر فیمبی با دف، این گروه را همراهی می کردند. این کنسرت عمدتاً به ترانه های صوفیانه کردی اختصاص داشت و بخش آخر برنامه با آواز و تصنیف فارسی پایان

روز سیزدهم اکتبر کنسرتی از شهرام ناظری به همراهی گروه تنبور نوازان در شهر کلن برگزار گردید. گروه تنبور نوازان از علی ناظری، افشین رامین، گل نظر هیززی، علی اکبر مرادی تشکیل شده بود که محمد جلیل هندلیبی



کنسرت

موسیقی محلی خراسان

و موسیقی سنتی ایران

گویندگی برنامه را به عهده داشت. هماهنگی اعضا ارکستر و تنوع ریتم و ملودی در قطعاتی که ارکستر در همراهی با آواز اجرا می کرد، بویژه در اجرای دستگاه شور از نکات موفقیت آمیز این کنسرت ها بودند. اجرای کنسرت را آواز ایرج بسطامی همراهی می کرد. ایرج بسطامی خواننده ۳۲ ساله ای است که تازه به صحنه آمده است. گروه هارف اخیراً کنسرتی در تالار وحدت تهران (تالار رودکی) به اجرا در آورد که ایرج بسطامی خواننده گروه بود. او مدت کوتاهی نزد شجریان آموزش می دیده است و اکنون مدتی است که پرویز مشکاتیان به آموزش او می پردازد. به گفته خودش بیشترین آموزش و آشنایی با موسیقی سنتی ایران را در حضور پرویز مشکاتیان دیده است.

می نشست. در بخش دوم گروه هارف یکی از دستگاه های موسیقی ایرانی را که تصنیف ها و آواز آن با صدای ایرج بسطامی بود، ارائه داد. (گروه هارف در برخی از شهرها در "دستگاه شور" و در برخی دیگر در "افشاری مرکب" به اجرای برنامه پرداخت.) گروه هارف را نوازندگان ورزیده ای چون پرویز مشکاتیان (نوازنده سنتور)، حمید متبسم (تار و سه تار)، بیژن کامکار (دف و رباب)، ارژنگ کامکار (تنبک)، اردشیر کامکار (کمانچه)، محمد فیروزی (بربط هود) و محمد علی کیانی نژاد (نوازنده نی) همراهی می کردند. در این کنسرت برای نخستین بار (دست کم در خارج کشور) گوینده ای در نظر گرفته شده بود که پیش از اجرای هر بخش به طور مختصر به توضیح و گاه توصیف قطعه ای که اجرا می شد می پرداخت. شهرام میریان گوینده سابق رادیو تلویزیون ایران و گوینده کنونی بخش فارسی صدای آلمان - کلن،

محمد یگانه نوازنده تنبور خراسان، که برای دوستان موسیقی محلی ایران چهره سرشناسی است، و نیز گروه هارف به سرپرستی نوازنده سنتور و آهنگساز معروف، پرویز مشکاتیان، طی ماه گذشته در شهرهای مختلف اروپا به اجرای کنسرت پرداختند. این کنسرت ها در روزهای ششم، نهم، دوازدهم، چهاردهم، شانزدهم و بیست و یکم اکتبر در شهرهای فرانکفورت، کینهاک، استکلهم، یوتو بوری، آرهوس و برلین به اجرا درآمد. در روزهای دوم، هشتم، یازدهم و هفدهم نوامبر نیز همین کنسرت ها در شهر کلن، مونیخ، لندن و دوسلدورف اجرا شد.

کنسرت "موسیقی محلی خراسان و موسیقی سنتی ایران" شامل دو بخش بود. در بخش نخست، محمد یگانه با تنبور خراسان و آواز به اجرای چند ترانه محلی خراسانی پرداخت. ترانه های محلی خراسان با توضیحات محمد یگانه همراه بود و اجرای آن از دل بر می آمد و پر دل



واقعیت اتفاق افتاده، «بی طرفانه» گزارش نمی کنند، بلکه در این موارد نیز تمهیدهای ادبی سازمان دهنده دست مایه واقعی تاریخی است تا نوعی از روایت را بیافریند.^{۱۰}

اخیراً هوشنگ گلشیری در یک سخنرانی به نام «پیش گویی در ادب معاصر ایران» این نظریه را مطرح کرد که داستان به جای آنکه به تقلید زندگی (واقعیت) بپردازد می تواند کاری کند که برعکس زندگی از داستان تقلید کند. اما چه گونه؟ گلشیری به صراحت نمی گوید؛ آنچه از خلال بحث او منتقل می شود آن است که داستان نویسی می تواند به درون خودش، یا به ساختار روایی (قایم به ذات) و «فی نفسه» داستان، یا به ماده خام (آنچه که او در باره اش تحقیق می کند) توجه داشته باشد و این کفایت می کند که وی به واقعیتی چند لایه و عمقی دست پیدا کند که در متن زندگی تکرار می شود(یا به زعم او «ازلی - ابدی» است):

«مقصود من از ادبیات آن آثاری است که با همه بدنی شان به واقعیت ملموس زمانه، چون ساختار داستانی خود را دارند و با شگردی عرصه می شوند که به درجه اثر از نویسنده یا بر شیوه های مرسوم و یا کشف شیوه های جدید بستگی دارند نه خود این یا آن واقعیت مشخص. مهمتر این که انتخاب زمان یک داستان و نسبت آن با زمان معیار یا زمان گذشته و غیره مبس می شود تا داستان شیء ای شود قایم به ذات که خود پاسخ گوی عیب و حسن خود است و در هر زمان و مکان دیگری هم چنان پاسخگوی نیازهای آدمی است برای درک بهتر همان واقعیت ملموس اعم از درون و برون خواننده آن.»^{۱۱}

ابهام این گفته ها کم نیست. آیا در تجربه زیستی انسان ها چیزهایی دایمی هستند که از سطح وقایع فراتر می روند و خود را تکرار می کنند و به نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه از جانب داستان نویسی باهوش از طریق ساختار روایت و زبان بازگفته می شوند؟ پدیده هایی دایمی که شناخت آن ها پیش شرط هر نوع شناخت دیگری از «واقعیت های ملموس زمانه» است؟ این «ساختار های عمقی» جاودان، خصلت های ازلی و ابدی که همچون مقولات ازپیشی کانتی همواره در سرشت انسان و جهان ثابت اند چیستند؟

ما برعکس معتقدیم که «پویشگر» داستان(ساختار، عناصر روایی، زبان و فورم) به نحوی متافیزیکی و فراتاریخی ایجاد نشده اند. آن ها رابطه هایی معین، هرچند دیرشناخت، با تاریخ دارند، یعنی دارای نسبت تاریخی هستند. به عبارت دیگر، ساختار احساس هنرمند، با ساختار تجربه زیستی او(بیوگرافی) و ساختار واقعیت(تاریخ) ارتباط متقابل دارند.

از ماتریالیزم عامیانه و روش آن که بگدریم(«زیر بنا» تعیین کننده «روینا» است)، دیدگاه مهم دیگری وجود دارد، که مورد پذیرش ما نیز هست، که اثر هنری را به پسزمینه گسترده تر فرهنگی خویش ارتباط می دهد، و آن دیدگاه هگلی است؛ طبق این دیدگاه جنبه های گوناگون فرهنگ و تمدن، از جمله آراء و اندیشه ها، مفاهیم تفکر و ساختارهای احساس، هستی جدا و در انزوا ندارند، بلکه در پیوند با یکدیگر و بر یکدیگر اثر گذارند. فهم اجزاء تنها با رجوع به «کلیت» ای گسترده تر قابل حصول است. این دیدگاه در نقد فرهنگی و ادبی که با کار لوکاس آغاز شد، در سال های اخیر به نحو پیچیده تر و همه جانبه تری از جانب ریموند ویلیامز در انگلستان و فردریک جیمسون در آمریکا(پروژه «ناخود آگاه سیاسی») دنبال شده است. همینطور کشف دوباره نوشته های ۳۰-۱۹۲۰ میخائیل باختین در شوروی نیز به گسترش تحلیل فرهنگی مارکسیستی کمک بسیار رسانده است. لازم به تاکید است که در پروژه «ناخود آگاه سیاسی» نیز، به مثابه نوعی از تحلیل مارکسیستی، این نظر مورد تأیید است که هرچند عناصر تاریخ «فاکت»هایی هستند که به طور عینی به وقوع پیوسته اند، اما گزارش این فاکت ها در هر حالت تنها به مدد یک روایت (یا نارتیو) در برابر ما قرار می گیرد. بدون وساطت این ساختار روایی، دست رسی «مستقیم» به واقعیت گذشته و حال غیر ممکن است. حتی استفاده از تکنولوژی عکاسی و فیلم برداری نیز از این قاعده بری نیست. آنچه در گذشته روی داده، همیشه از صافی نوع خاصی از «روایت» به ما می رسد. روایت ها اما نسبی و تاریخی اند، نه جاودان و «ازلی - ابدی».

نقد ادبی، به ویژه در کشور ما که سابقه چندانی ندارد، از اتخاذ بینش های جزئی آسیب خواهد دید: نظیر اینکه ادبیات باید ساختارهای قایم به ذات، فی نفسه و ازلی و ابدی داشته باشد و هرچه بیشتر به تکمیل فورم بیانی خود بپردازد، یا اینکه ادبیات باید واقعیت اجتماعی را منعکس کند و تعهد و جهت گیری اجتماعی داشته باشد یا اخلاقی باشد. نباید تصور شود که ما جنبه دگرگون ساز و متحول کننده(transformative) متون اجتماعی، از جمله ادبیات، را نادیده می گیریم. اصولاً کارکرد نقد ادبی، به عنوان رشته ای از نقد فرهنگی، پدید آوردن شناخت تازه ای است نسبت به تأثیراتی که ساختارها و تمهیدهای ادبی بر جا می گذارند، نحوه شکل گیری این ساختارها و نوع آگاهی یا ایدئولوژی ای که - در رابطه با «مقال»های گسترده تر فرهنگی - به وسیله آن ها تولید یا بازتولید می شود و معطوف به تنها، منافع و روابط قدرتی است که در زندگی اجتماعی جریان دارند. انتقاد ما متوجه آن دید ساده انگاری است که قابلیت تحول را تنها با موضع گیری اخلاقی یا ایدئولوژیک و یا با اصرار برانعکاس واقعیت های معینی میسر می داند. به هرحال، تنها در عمل، یعنی به هنگام کاربرد تئوری ها برای بررسی نمونه های ادبی (یا هر «تکست» اجتماعی دیگر) است که خواهیم فهمید کدام یک از این تئوری ها روشنگرتر و تفکر برانگیزترند و گره های بیشتری را می گشایند.

- ۷ - آذر نفیسی، «واقعیت و رمان»، مفید، شماره ۴، مرداد ۱۳۳۳.
- ۸ - ر.ک. هیلاری پاتنام، عقل، حقیقت و تاریخ(Reason, Truth and History)، لندن: انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۸۱.
- روی باسکار، رئالیسم علمی و رهایی انسان(Scientific Realism and Human Emancipation)، لندن، انتشارات روسو، ۱۹۸۲.
- روی باسکار، بازپس گرفتن واقعیت(Reclaiming Reality)، لندن: انتشارات روسو، ۱۹۸۹.
- ۹ - تری ایگلن، مقدمه ای بر تئوری ادبی(Literary Theory, An Introduction)، مینه سوتا: انتشارات دانشگاه مینه سوتا، ۱۹۸۳، ص ۳.
- ۱۰ - مثلاً ر.ک. هایدن وایت، متاهستوری(Metahistory)، تبخیل تاریخی در اروپای قرن نوزدهم، بالیمور: انتشارات دانشگاه جان هاپکینز، ۱۹۷۳.
- ۱۱ - هوشنگ گلشیری، «پیشگویی در ادب معاصر ایران»، دنیای سخن، شماره ۲۹۹، پاییز ۱۳۳۸.

ع. ک. داستان

می گذارند که می توان از آن، از جمله، در پاره کردن نقاب روشنفکران راست گرای اسلامی و روشنفکران استالینیست همزمان استفاده کرد. از سوی دیگر جنبه های بارز نخبه گرایی ضد دموکراتیک، زن ستیزی و تحقیر انسان های کوچک و معمولی در آثار نیچه برای ما از اعتبار تهی است. هنر و فرهنگ عوام پسند که عنصر سرگرمی و بازی و گریز در رویا در آن غلبه دارد در دید ما حکم تریاک و تحمیق و «تخلیه» ندارد. فرهنگ های عوامانه پست و حقیر نیستند.

تئوری فرهنگی مارکسیستی مدت هاست که از اخلاق گرایی فاصله گرفته و رأی به «محکومیت» نوع بخصوصی از هنر نمی دهد. اما آنچه که این تئوری را رویاروی ایده آلایزم نو در فلسفه اجتماعی و نقد ادبی قرار می دهد این ادعا است که می توان، به مدد تئوری، بر گسستگی های تجربه مدرن و حس پاره پاره شدن شخصیت و ذهنیت، بی ارتباطی کلام با واقعیت فایق آمد و «افق تاریخی یا اجتماعی» هر اثر هنری، ولو ذهنی ترین و تخیلی ترین آن هارا، وارسی کرد. درین جا علاوه بر تعلیق حکم اخلاقی (منط/مترقی)، داوری ارزشی دایر بر تمایز میان هنر عوام و هنر خواص نیز نمی تواند مطرح باشد. تلویزیون و هنرهای توده گیر، افسانه علمی و داستان پلیسی، موسیقی پاپ و فیلم «هالیوودی» همانقدر قابل توجه است که مدرنیسم خواص پسند جویس، موزیل یا رب گریه. در حقیقت در هنر پسامدرنیستی این دو نوع هنر با یکدیگر تلفیق می شوند؛ آوان گارد در تصویر، مونتاژ و روایت به مدد ویدئوی موسیقی، پوستر تبلیغاتی، شکل. پلاستیک کالاهای مصرفی و... توده گیر می شود. «ژانرهای هنری و دوره بندی تاریخی سبک ها در هم می آمیزند؛ و هیچ مرزی آشکال مختلف روایی را از یکدیگر مجزا نمی کند.

نگرش ماتریالیزم عامیانه نسبت به ادبیات و هنر ابزار گرایانه است، یعنی به آنها به عنوان ابزاری برای رسیدن به یک هدف دیگر نگاه می کند: ادبیات و هنر باید بتوانند به مخاطب خود «واقعیت» را نشان دهند، تا مخاطب با شناخت واقعیت بتواند در جهت دگرگون کردن آن گام بردارد. اگر نوعی از هنر واقعیت را «منعکس» نکرد، بلکه جهانی خیالی را ترسیم کرد که رابطه بی واسطه آن با واقعیت مبهم و تمییز ناپذیر به نظر رسد، به نحوی آن را «تحریف» کرده است. اتهام اخلاقی نیز از همین جا می آید: هنری که «واقعیت» را تحریف کند، مخاطبش را به دگرگون کردن جهان راهبر نخواهد شد. ادبیات باید موجه نما، باور کردنی و صادقانه(truthful) باشد. از همین جا تفاوت میان هنر «جدی» و «سرگرمی» هم مطرح می شود. ادبیات جدی آن نیست که فقط سرگرم کند، بلکه باید «شناخت» هم بدهد. به زعم ما نقد فرهنگی و ادبی چپ در ایران نباید خودش را در چارچوب تنگ این دیدگاه محدود کند.

«پیش گویی» در داستان، ساختار گرایی و فورمالیزم روسی مبارزه با مارکسیزم عامیانه و فرهنگ سیاسی استالینی، و یا اسلامی، گاه چنان سبب دغدغه بعضی از نویسندگان و منتقدان ما شده که گمان میکنند تاکید هرچه بیشتر بر فورم بیانی و ساختار های روایی به خودی خود پاسخ گوی بسیاری از دشواری های رشد داستان نویسی و نقد ادبی در ایران است. اقبال به «فورمالیزم روسی» در چند سال اخیر نیز شاید ناشی از همین دغدغه باشد. روش فورمالیزم روسی نوعی از نقد ادبی است که جنبه های ماتریالیستی و ایده آلیستی را توأم دارا است. مهمترین دستاورد فورمالیست های روسی آن است که بیش از هر چیز بر واقعیت مادی خود متن ادبی تاکید ورزیدند، نه بر «پیام» یا «محتوای» آن. به زعم آن ها آنچه ادبیات را از سایر اشکال شناخت اجتماعی نظیر روانشناسی، فلسفه و جامعه شناسی جدا می کند سازمان یافتگی ویژه زبان آن است. کار فورمالیست ها گسترش علم زبان شناسی در حیطه ادبیات بود. آن ها با برجسته کردن «تمهید»های روایی، به مثابه روش های فورمال ادبی، نشان می دادند که یک داستان چگونه عمل می کند و تأثیر های معینی بر جا می گذارد. از جمله این تمهید ها آشنایی زدایی از زبان معمول روزمره، تکنیک «باز دارنده» و «به تعویق انداز» حکایت برای جلب توجه خواننده و غیره بود که مجموعاً ویژگی «ادبیت» (literariness) را می ساختند. جنبه ضد ماتریالیستی این آموزه آن بود که میان این تمهید های روایی در آثار ادبی و شرایط فرهنگی معین به وجود آمدن این تمهیدها از یک سو، و پیام منتقل شده بوسیله فورم از سوی دیگر رابطه ای قایل نبود: «ادبیت» در این جا خصصتی ماوراء تاریخی و «ازلی - ابدی» پیدا می کرد. به قول منتقد انگلیسی تری ایگلن: «آن ها نه تنها فورم را شکل بیهی محتوا نمی دانستند، بلکه اصلاً این رابطه را معکوس در نظر می گرفتند. محتوا فقط انگیزه ای بود برای فورم، تنها فرصت یا بهانه ای بود برای نوع ویژه ای از تجربه فورمال. رمان دُن کیخوت اثری «در باره» شخصیتی به همین نام نبود؛ بلکه شخصیت تنها تمهیدی بود برای گرد آوردن انواع گوناگون تکنیک های روایی. «لغة حیوانات» احتمالاً از نظر فورمالیست ها نمی توانست تشبیلی از دوران استالین باشد؛ برعکس، استالینیسم به سادگی بهانه مفیدی است تا از طریق آن بتوان یک تمثیل به وجود آورد. همین تاکید نا به جا و افراطی بود که بدنامی فورمالیست ها را نزد مخالفان شان باعث می شد؛ و گرنه آن ها انکار نمی کردند که هنر با واقعیت اجتماعی در رابطه است - در حقیقت تعدادی از فورمالیست ها با بلشویک ها همکاری نزدیکی داشتند. ولی به نحو تحریک آمیزی مدعی بودند که این رابطه نمی تواند مشغله منتقد باشد.»^۹

فورمالیست ها، و در دو دهه اخیر ساختار گرایان، رمان های رئالیستی را نیز چیزی جز مجموعه ای از تمهید های فورمال واقعی نمایی در داستان به شمار نمی آورند. رئالیست ترین رمان ها هم به مدد شگرد های خاصی از روایت به واقعیت «شباهت» پیدا می کنند و باورپذیر می شوند، حال آنکه در اصل چیزی بیش از مجموعه ای از همان ساختارهای فورمال نیستند. حتی انواعی از روایت که مستقیماً به «واقعیت» می پردازند، یعنی زیست نگاری(بیوگرافی) و تاریخ نگاری، به هیچ وجه آنچه را که زمانی در

برخی ملاحظات تئوریک درباره

بحث های ادبی در ایران

قسمت دوم و پایانی

از مدرنیسم تا پسا - مدرنیسم

در بسیاری از بینش های فلسفی ضد پوزیتیویستی امروزی، جایگاه هستی شناختی(آنتولوژیک) پدیده اجتماعی به عنوان پدیده ای «عینی» و قانون مند نفی می شود و «حقیقت» هر قضیه یا گزاره ای نه با ملاک انطباق با چیزی به نام «واقعیت عینی»، بلکه با توجه به پسزمینه(context) خود آن گزاره قابل فهم است. این پسزمینه وجودی را می توان، به تبعیت از ویتگن شتاین، «بازی زبانی» (language game) نامید. در فلسفه متأخر ویتگن شتاین، برخلاف باورهای پوزیتیویست - منطقی نخستین او، واژه های زبان رابطه یک به یک با واقعیت عینی ندارند (مثلاً «آجر» برای آجر، «منحط» برای منحط)؛ بلکه مجموعه واژه ها همانند ابزارهایی در یک جعبه اند که می توانند در متن «پراتیک»های مختلف معانی دیگرگون داشته باشند. همان واژه های یکسان در دو «بازی» مختلف، حکایت از دو تجربه زیسته مختلف و دو «معنای» مختلف دارند. مثلاً فرهنگ جوامع بیگانه، حتی اگر زبان شان هم ترجمه پذیر باشد، قابل فهم و دست رسی نیست زیرا آن «بازی زبانی» دیگری(تجربه زیسته دیگری) است. چیزی به نام «عقل» به طور انتزاعی و کلی و چیزی به نام «معیار های جهان شمول عقلانی بودن»، یعنی یک محمل ارتباطی که بتواند به طور جهان شمول هم زبانی تمامی بشریت را ممکن سازد وجود ندارد. بنابراین، واقعیت تنها از کائنات، یا از «فیلتر»، معانی مشخص ذهنی افراد درگیر در یک «بازی»(یک فرهنگ یا خرده فرهنگ) تعریف می گردد؛ یعنی فهم تفسیری (یا «هرمنوتیک») زمینه تاریخی و مشخص آراء و عقاید. آنچه واقعی است خود «عینی» نیست بلکه برحسب معانی ذهنی کنشگران عینیت می یابد. خارج از حیطه آن معانی ذهنی و آن زمینه های مشخص، فهم عقاید و اعمال درگیر، و به ویژه قضاوت «عینی» در مورد آن ها، ناممکن است، زیرا خود این فهم و قضاوت از سکوی یک «بازی زبانی»، یا یک متن فرهنگی دیگر، صورت می گیرد که به هیچ وجه مطلق نیست، بلکه می تواند همان قدر اعتبار داشته باشد که فرهنگ مورد قضاوت. معرفت شناسی «آنارشیک» جدید(در آثار پُل فایرابند) و برداشتی از فلسفه علوم(در آثار باشلار، کان گی یم، کوپره و ت.س.کون) همین موضع را می گیرد: به قول کون «هنگامی که الگوی توضیحی ما عوض می شود، جهان نیز به همراه آن دگرگون می شود». با همین پیش فرض ها، «در فلسفه پستامدرنیستی» جدید، که مخالف ایدئولوژی های عصر روشنگری و رئالیزم فلسفی و هنری است، چنین نتیجه گرفته می شود که هیچ جامعه و فرهنگی از جامعه و فرهنگ دیگر «عقب مانده تر» یا «پیش رفته تر» نیست. (و در نتیجه بحثی به نام «معاصر بودن» تاریخی بی معناست.) ما برای قایل شدن به چنین تمایزی نه ابزار معرفتی داریم و نه ابزار ارزشی(به جز ارزش های نسبی و غیر مطلق خودمان). ادعا در مورد داشتن چنین ابزاری در واقع یک ایدئولوژی است که تنها و قدرت خواهی های مدعیان اش را پرده پوشی می کند. کوشش برای یافتن یک زمینه مشترک ارتباط و فهم متقابل که «عقلانی» و «جهان شمول» باشد، تلاشی عبث است که علیرغم نیت پیروان اش، در عمل به تحمیل یک نظام فرهنگی، اروپامداری و در نهایت تروریسم می انجامد. در نوشته های فیلسوفانی نظیر ژان فرانسه لیوتار هر تنوع نظام فکری که حاوی نسخه ای جهان شمول برای رستگاری بشریت باشد «در حقیقت نسخه ای برای ترور» خواهد بود.^{۱۲}

با شرح بالا، شاید گمان رود که مرگ تدریجی رئالیزم در فلسفه و هنر و بن بست نهایی پروژه روشنگری قطعی است. اما این نتیجه گیری، که مستقیماً یا تلویحاً از بحث های گلشیری و نفیسی^۷ بر می آید، شتاب زده است و هیچ گاه حکمی نهایی در این باره صادر نشده است. ما با طیفی از دیدگاه ها روبروایم که در یک انتهای آن ذهنی گرایی محض و انکار جهان محسوس مستقل از ذهن و اراده گرایی ناب است، و در انتهای دیگر ماتریالیزم عامیانه ای که با اتکا به یک فلسفه تکامل تاریخی تک خطی، «بیماری»، «انحطاط» و «بی صداقتی» هنر مدرن سعی در انکار ارزش آن دارد. معمولاً در جدل های قلمی این دو گرایش، دیدگاه مقابل به حد کاریکاتور افراطی بینش اصلی کاهش می یابد تا حکم بطلان آن ساده تر شود. اما امروزه جدل در فلسفه اجتماعی و تئوری فرهنگی میان خصلت های فوق ایده آلیستی پسا مدرنیسم با ماتریالیزم تاریخی به شدت سابق ادامه دارد. در آلمان، یورگن هابرماس با نقد نیچه گرایی نوین در آثار هایدگر، فوکو و دریدا در صدد احیاء و ترویج جنبه های مثبت و تاکنون به حاشیه رانده شده عصر روشنگری است(مدرنیست همچون پروژه ای ناتمام). در فلسفه علوم، کماکان فیلسوفان برجسته ای نظیر: «هیلاری پاتنام» و «روی پاسکار» بار دیگر با قدرت تمام رئالیزم را مطرح کرده اند.

نظر نویسنده این سطور چنین است: نباید فراموش کرد که خصلت اسطوره شکن، ضد پوزیتیویستی و زیباشناختی گرایانه نیچه و هایدگر گر تا چه اندازه به شکستن بت های «دنیای شجاع نوای تکنولوژیک»، که هم میان روشنفکران بورژوا لیبرال و هم در مارکسیزم به وضوح به چشم می خورد، مدد رسانده است. چشم اندازهایی که این دو بر نسبی بودن مطلق های اخلاقی یا راسیونالیستی می گشایند برای هر جنبش واقعاً دموکراتیک چپ می تواند سر مایه ای غنی باشد. فرض های ایدئولوژیک/ اخلاقی و آزمون نشده پاره ای از روشنفکران ما - از جمله روشنفکران چپ - که همیشه زیر پوشش «علمی بودن» در جستجوی مشروعیت اند و چه بسا اراده ای معطوف به قدرت را استتار می کنند؛ از این دیدگاه به نقد کشیده می شوند. مباحث مشابه در جامعه شناسی و فلسفه علوم (وجود «پارادایم»های متناظر اما همزمان موجه در ساختمان تئوری های علمی و توضیح جهان واقع)، و در مطالعات تاریخی(امکان ناپذیری بازسازی دقیق عینیت گذشته، و اینکه هر بازسازی و روایت تاریخی خواسته - ناخواسته متأثر از چند مفروض پیش - تئوریک است) نیز جنبه های تأثیر گرفته از نوشته های نیچه و هایدگر است. اصولاً نیچه، فروید و هایدگر، همانند مارکس پیش از آن ها، ابزار موثری برای نقد ایدئولوژی در اختیار چپ دموکراتیک

از رویدادهای ایران

مواد شیمیایی به مقصد ایران

وزارت اقتصاد هلند فاش ساخت که مأمورین تحقیق این کشور ۱۶ هزار گالن حاوی مواد شیمیایی را که قرار بود به ایران فرستاده شود کشف و توقیف نموده‌اند. مقامات هلندی که پس از آغاز جنگ ارسال هرگونه جنگ افزار و مواد نظامی به ایران و عراق را ممنوع ساخته بودند، اعلام کرده‌اند که احتمال دارد، جمهوری اسلامی قصد استفاده از

نعمت اله ایزدی سفیر جمهوری اسلامی در مسکو چهارشنبه ۲۴ آبان با ادوارد شوارندادزه وزیر خارجه این کشور دیدار کرد. شوارندادزه در این دیدار گفت: از آقای میخائیل گارباچف ماموریت دارم که بهترین آرزوها و سلامهای رئیس جمهور شوروی را به آقای علی اکبر رفسنجانی تقدیم نمایم. وی سپس ضمن بررسی روابط دوجانبه ایران و شوروی اظهار داشت: طی مدت کوتاه گذشته کارهای مصلحی در جهت توسعه روابط دوجانبه صورت گرفته است.

دولت رفسنجانی برای اجرای برنامه ۵ ساله خود امیدهای زیادی به کمک‌های شوروی بسته است و این کشور نیز بی هیچ قید و شرطی از هر اقدام حکومت ایران استقبال کرده و در جهت تحکیم روابط کوشیده است. استقبال و کوششی که در برخی موارد با نادیده انگاشتن منافع مردم ایران همراه بوده است و نمونه بارز آن سکوت دولت شوروی در قبال فاجعه کشتار زندانیان سیاسی در ایران بود. در همین راستا، باید از تحویل جنگنده‌های میگ ۲۹ از سوی این کشور به جمهوری اسلامی نام برد که در میان مجموعه قراردادهای اقتصادی و فرهنگی دو رژیم، به‌مثابه یک مقایسه با منافع مردم خودنمایی می‌کند.

افزایش کرایه تاکسی‌ها

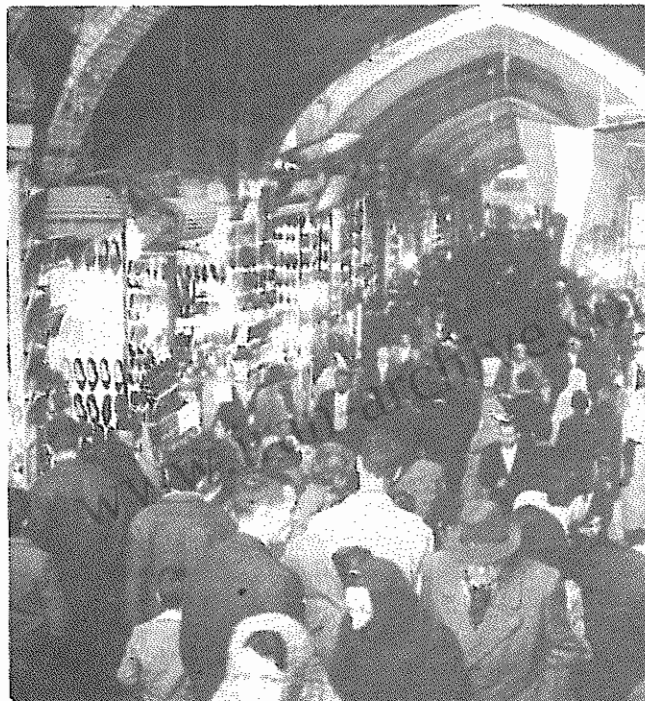
در صورت توقف ناشی از کندی ترافیک یا موارد دیگری از این قبیل هر ۱۴۰ ثانیه ۱۰ ریال به کرایه تاکسی اضافه می‌شود. شهرداری تهران اعلام کرده است که این نرخ‌ها برای ساعات ۶ صبح تا ۱۰ شب معتبر است و از ۱۰ شب به بعد ۲۰ درصد به آنها اضافه می‌شود. کرایه تاکسی‌های خطی نیز افزایش یافته و در مسیرهای مختلف بین ۴۰ تا ۵۰۰ ریال تعیین شده است.

سرانجام پس از گذشت روزهای متمادی از زمانی که تاکسی‌رانان در تهران به ابتکار خود کرایه تاکسی را افزایش دادند، شهرداری تهران نرخهای جدید و اضافه شده کرایه تاکسی را اعلام کرد. مطابق نرخ‌های جدید، ورودیه تاکسی در تهران برای هر نفر به ازای ۲ کیلومتر اول ۳۰ ریال تعیین شده که به ازای هر ۷۰۰ متر ۱۰ ریال اضافه می‌شود.

جنبه‌هایی از اقتصاد بحران زده ایران

مطابق اطلاعات منتشره در نشریه کار و جامعه در دهه ۶۵- ۱۳۵۵ شافلین بخش ساختمان ۱/۲ میلیون نفر و بخش صنعت ۱/۴ میلیون نفر بوده‌اند. قسمت اعظم مشاغل که طی سالهای ۶۵- ۱۳۵۵ ایجاد شده، منشاء خدماتی داشته‌اند. تعداد شافلین در سال ۱۳۶۵ بالغ بر ۱۲/۸۲ میلیون نفر بوده است. نکته قابل توجه آنکه طی این دهه ۱۲/۷۹ درصد جمعیت شافل یعنی ۱/۳۶ میلیون نفر دارای مشاغل واسطه‌گری، زیرزمینی و غیر قانونی بوده‌اند. طی دهساله فوق در حالی که تولید داخلی با تحول چشمگیری مواجه نبوده ۴۷ درصد به کل جمعیت و ۲۵ درصد به جمعیت شافل بالای ۱۰ سال افزوده شده است. ماهنامه بررسی‌های بازرگانی نیز در یکی از شماره‌های اخیر خود گوشه‌های دیگری از واقعیت

اقتصاد بیمار و بحران زده جمهوری اسلامی را مورد توجه قرار داده است. بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ متوسط رشد درآمد در بخش بازرگانی سالانه ۳۳/۴ درصد بوده است. در سال ۱۳۵۵ از کل درآمد ملی به قیمت‌های جاری (۴۳۷۵/۷ میلیارد ریال) معادل ۵/۸ درصد آن متعلق به بخش بازرگانی، رستوران و هتلداری و سهم بخش خدمات بازرگانی از گروه خدمات ۱۷/۲ درصد بوده است. در سال ۱۳۵۶ این ارقام به ۲۸/۱ و ۴۳/۵ درصد رسیده است. تغییر مهم دیگری که در این سالها رخ داده، تغییر در سهم عمده فروشی و خرده فروشی بوده است. سهم واحدهای عمده فروشی از کل تولید بازرگانی در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ از ۴۰/۱ به ۵۷/۵ درصد رسیده است.



بازار تهران، مرکز اصلی فعالیتهای واسطه‌گری و ایجاد بازار سیاه

فوتبال...

در ادامه مسابقات باشگاههای فوتبال تهران هفته گذشته تیمهای استقلال و دارایی دیدار حساسی را در حضور ۵۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه آزادی برگزار کردند. این مسابقه با یک گل بسوداستقلال پایان یافت. تنها گل مسابقه توسط عبدالصمد مرفاوی در دقیقه ۶۵ مسابقه به‌دست آمد. در بازی دیگر تیمهای پیروزی و بانک صنعت و معدن در برابر ۱۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه شیروودی در مقابل یکدیگر ایستادند. این مسابقه هلی‌رغم برتری و حملات بسیار پیروزی بدون گل به تساوی رسید.

در چهارچوب مسابقات جام حذفی باشگاههای ایران تیم ملوان بندرانزلی تیم جنوب اهواز را با گل مهران محمدی که در دقیقه ۱۸ بازی به‌ثمر رسید یک بر صفر شکست داد و به مرحله نیمه نهایی راه پیدا کرد. این مسابقه در بندرانزلی و در حضور بیش از ده هزار مشتاق فوتبال برگزار شد. ملوان و جنوب دیدار رفت را در اهواز بدون گل، مساوی کرده بودند. ملوان در نیمه نهایی احتمالا با تیم پیروزی تهران رو به رو خواهد شد. تیم پیروزی

واقعیت فوتبال ایران

۱۰ روز در سکوت و بدون هیچ‌گونه تدارکی برگزار شد. مسابقاتی که رفع تکلیف بود و نه میدانی برای شناسایی و انتخاب تیم‌های ملی جوانان و نوجوانان. مسئولین ورزش کشور در پس هیجان همومی ناشی از پیروزی غیرمنتظره تیم ملی فوتبال ایران چشم بر واقعیت تلخ فوتبال ایران بسته‌اند. بنابه تفسیر بسیار گویای مغسّر کیهان ورزشی پیروزی در پکن لایه‌ای زمین روی بوم مسین فوتبال و ورزش ایران شده است. حد توجه واقعی به فوتبال را باید با حد توجه به مسابقات رده نوجوانان و جوانان محک زد. در تمام کشورهای صاحب فوتبال بیشترین توجه به این سطوح می‌شود. در کشوری نظیر آلمان تلم تیمهای باشگاهی موظف به داشتن تیم‌های جوانان، نوجوانان و حتی خردسالان می‌باشند، برای این رده‌های سنی امکانات بسیار تخصیص می‌یابد و مسابقات و تورنمنت‌های مختلف برگزار می‌شود و بدینگونه تیم ملی فوتبال با نبوه زیادی از قهرمانان جوان و آماده تغذیه می‌گردد. در ایران متأسفانه توجه به فوتبال جوانان و نوجوانان رسم نیست، دلیل آن برگزاری فقیرانه مسابقات قهرمانی جوانان و نوجوانان کشور در ماه گذشته و شکست هر دو تیم ملی در برابر حریفانی نه‌چندان صاحب نام در سطح قاره، این واقعیات نشانگر آن است که مسئولین ورزش کشور، هنوز نیز در فهم ورزش نیستند. اگر پیروزی با داوردهای بدست آمد که مدعی افتخارات آن می‌شوند و اگر بر فهرست شکست افزوده شد، آثار بر گردن زیر دستان، مربیان و حتی ورزشکاران می‌اندازند.

چندی پیش مسابقات فوتبال نوجوانان آسیا در امارات متحده عربی به پایان رسید. در همین روزها مسابقات قهرمانی جوانان آسیا در اندونزی نیز در جریان است. تیم‌های پیروز این مسابقات به‌نوان نمایندگان قاره آسیا در مسابقات جهانی فوتبال نوجوانان و جوانان آسیا شرکت خواهند کرد. تیم‌های ملی فوتبال نوجوانان و جوانان کشورمان هم در امارات متحده و هم در اندونزی قایب بودند. نوجوانان ایران در دیدارهای مقدماتی از تیم قطر شکست خوردند و حذف شدند و جوانان ایران نیز در مسابقات مقدماتی در دام سوریه گرفتار آمدند و از راه‌یابی به مسابقات نهایی باز ماندند. چنین است واقعیت فوتبال کشور ما که چندی پیش به مقام قهرمانی بازیهای آسیایی رسید. شکست تیمهای جوانان و نوجوانان ایران از تیمهایی که تا چند سال پیش تنها جریفان دست‌گرمی ایران به‌شمار میرفتند، نشانه بی‌پشتوانه بودن فوتبال کشور ماست. نشانه این است که اگر بازیکنان کنونی تیم ملی کنار بروند، فوتبال ایران قادر به پرکردن جای آنها نیست.

زمانی که تیمهای جوانان و نوجوانان یکی پس از دیگری با شکستهای تلخ، با میدانهای آسیایی وداع کردند، مسئولین امر طبق معمول روزهای خوش و پیروزی را به آینده حاله‌کردند و از برنامه‌های پرتفصیل برای این آینده سخن گفتند. اما با گذشت چندماه همه این وعده‌ها فراموش شد. ماه گذشته مسابقات قهرمانی جوانان و نوجوانان کشور، طی

دیدار کربوبی با گلیایگانی و اراکی

بنابه گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی حجت الاسلام کربوبی رئیس مجلس شورای اسلامی و از سران جناح تندرو، چهارشنبه هفته گذشته (۲۴ آبان) بطور جداگانه با گلیایگانی و اراکی دو تن از مراجع بلند پایه اسلامی دیدار کرده است. بر پایه این گزارش کربوبی آنها را در جریان اختلافات درون مجلس قرار داده و هر دو مرجع فوق بر لزوم خاتمه دادن به اختلافات و تلاش برای وحدت تأکید کرده‌اند. اراکی به کربوبی گفته است که نمایندگان مجلس باید هشیار باشند تا در مجلس امر خلاف شرعی صورت نگیرد.

مواضع کربوبی از دو هفته پیش بطور آشکاری نسبت به خامنه‌ای و جناح مسلط حکومت تغییر کرده و دوستانه شده است. مردم این تغییر موضع را با دستور خامنه‌ای مبنی بر رسیدگی به موارد فساد و خلاف کاری در بنیاد شهید که ریاست آن بر عهده کربوبی است، در ارتباط می‌دانند. چرخش اخیر کربوبی بسیاری از تندروها را که همچنان مخالفت حاد با خامنه‌ای، رفسنجانی ادامه می‌دهند ناراضی ساخته است. جناح مسلط هفته گذشته مجدداً این نیروها را به سرکوب تهدید کرد و از زبان مقتدایی رئیس دیوان عالی کشور در نماز جمعه ۱۸ آبان به آنان هشدار داد که: دستگاه قضایی با صلاحدید رهبر، هر صدایی که موجب تفرقه بین ملت شود را خاموش خواهد کرد.

کمبود ۳ هزار دستگاه اتوبوس در تهران

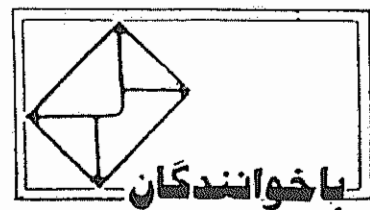
مجموعه دارای ۱۸۲۷ اتوبوس قابل استفاده به ازای هر ۴۱۰۵ نفر یک دستگاه اتوبوس- بوده است. بنابه گفته مسئولین، شهر تهران هم اکنون با کمبود ۳ هزار دستگاه اتوبوس روبرو است. مشکلات مردم تهران یکی دو تان نیست، برای یک مسافرت ساده درون شهری، آنها مجبورند ساعت‌ها در صف بایستند، تنه بزنند، تنه بخورند و با اعصاب خرد شده به مقصد برسند.

همراه با گران شدن کرایه تاکسی‌ها، هجوم اقشار کم درآمد شهر تهران برای استفاده از اتوبوسهای شرکت واحد بیشتر شده است، اما امکانات این شرکت محدود است و هلی‌رقم افزایش سریع جمعیت پایتخت هر ساله نیز کاهش می‌یابد. در حالیکه در سال ۱۳۴۵ در شهر تهران ۱۴۳۱ دستگاه اتوبوس - به‌ازای هر ۲۱۶۲ نفر یک اتوبوس- موجود بود. در سال ۱۳۶۸ شهر تهران

۴ گروگان ایرانی

در لبنان تیرباران شده‌اند

تلاشهای رژیم اسلامی برای آزادی ۴ دیپلمات ربوده شده این رژیم در بیروت هنوز به جایی نرسیده است. این دیپلمات‌ها ۸ سال پیش توسط شبه نظامیان مسیحی ربوده شدند و بارها خبر قتل آنان منتشر شده است، اما رژیم جمهوری اسلامی هنوز حاضر به پذیرش این موضوع نیست. چندی پیش خانواده‌های گروگان‌های ربوده شده به منظور پی‌گیری سرنوشت آنها و بیشتر با هدف برنامه‌های تبلیغاتی به چند کشور اروپایی و سپس لبنان فرستاده شدند. همزمان با این اقدام یکی از رهبران شبه نظامی مسیحی روز ۲۲ آبان مجدداً اعلام کرد که دیپلمات‌های ایرانی چند روز پس از ربوده شدن، به دستور فرمانده یک گروه شبه نظامی مسیحی تیرباران شده‌اند. جناح تندرو میکوشد از طریق نفوذ خود در حزب الله لبنان و مشروط کردن آزادی گروگان‌های غربی به آزادی گروگان‌های ایرانی مانع آزادی دیپلمات‌های غربی شود.



مقاله‌ای توسط یکی از خوانندگان نشریه اکثریت پیرامون داستان "سفر مهتاب" برای ما ارسال شده است. مقاله، و رای پرداختن به این داستان در واقع به موضوع ظریف و حساس زندگی مهاجرین ایرانی در کشور شوروی اختصاص دارد. چاپ این مطلب به معنای تایید نظرات نویسنده و قضاوت در مورد این دسته از مهاجرین نیست، بلکه در ادامه مشی دموکراتیک نشریه و به منظور گشایش بحثی سازنده و مفید در مورد مهاجرین خارج از کشور (و به ویژه مهاجرین سیاسی چپ)، تحولاتی که از سر گذرانده‌اند و مسایل کنونی آنها صورت می‌گیرد. نشریه اکثریت امیدوار است از این طریق بتواند بحثی مفید در مورد وضعیت امروزین مهاجرین ایرانی خارج از کشور، جایگاهی که دارند و جایگاهی که باید داشته باشند را از طریق اظهار نظر خوانندگان در صفحات خود، دامن بزند.

تحریریه اکثریت

پهلوان پنبه

نگاهی گذرا به "سفر مهتاب"

خواندن "سفر مهتاب" مرا بر آن داشت که نوشتن داستان واقعی سفرهای نسل جدید مهاجرین ایرانی موجود در شوروی را (با اینکه ضعف بسیار شدیدی در نوشتن دارم) آغاز کنم که متأسفانه به علت کمبود وقت لازم (تصور نشود که نگارنده به علت مشغولیت‌های ادبی و فرهنگی کمبود وقت دارد، بلکه طرف شوقی در رستوران‌ها و هتل‌ها و کارهای روزمره زندگی وقتی برایش باقی نمی‌گذارد) تنها در مقدمه آن باقی ماندم و تصمیم گرفتم تا "سفر مهتاب" از یاد نرفته، گوشه‌ای از واقعیت‌های زندگی مهاجرین ایرانی موجود در شوروی را که عمدتاً فدائیان اکثریت و توده‌ها می‌باشند (چه از این جریانات بریده باشند و چه وابستگی خود را به این جریانات حفظ کرده باشند) نوشته و در اختیار نشریه اکثریت بگذارم تا در صورت ممکن لطف کرده آنرا بچاپ برسانند.

در اینجا ما "آفتاب" را نمونه مهاجرین ایرانی موجود در شوروی فرض می‌کنیم و بعد از این هر جا به کلمه "آفتاب" برخورد شد منظور اکثریت قریب به اتفاق مهاجرین ایرانی موجود در شوروی می‌باشند. نگارنده آماده است در صورت اعتراض هر شخصی نسبت به هر یک از مطالب زیر توضیحات دقیق تری با ذکر اسامی و آدرس و احوال افراد معین در اختیار معترضین بگذارد.

نکات: * * *

"آفتاب" که روزی در کوههای کردستان، کارخانه‌های کرچ، دانشگاه‌های تهران، مدارس مشهد، ذوب آهن اصفهان و در هر کنار و گوشه خاک پهناور ایران در نبردی سخت با نابرابری، برای رسیدن به آرمانش که چیزی جز بهروزی مردم نبود، تلاش می‌کرد، پس از مهاجرت به کشور شوراهای دیدن همه چیز برایش فیرقابل تصور بود. مردم، خانه‌ها، خیابانها و بتدریج که ماندنی شد و بین مردم رفت، روابط و وضعیت اجتماعی شوروی و تقریباً همه چیز با ذهن او فاصله‌ای قریب داشت.

در بهشتی که در ذهنش ساخته بودند او بچه‌هایی را می‌دید که با پای برهنه توی خیابانها گدایی میکردند مادرانی که در حین بارداری در مزارع مشغول کار

را فروخت و در برابر آن مبلغی بیش از دستمزد یکسال کار در کارخانه را به جیب زد و مزه پول باد آورده به وسوسه‌اش انداخت و تدارک سفرهای دیگر را دید و چنین شد که سالی چند بار راه سفر از شوروی به غرب و بالعکس را در پیش گرفت و بتدریج تجارت را آموخت و امروزه کارش حسابی بالا گرفته است.

"آفتاب" که روزی در فکر آموختن و آموختن هر چه بیشتر بود و امید داشت بتواند تزیهائی در مورد انقلاب اکتر و به تبع آن تزیهائی در مورد انقلاب ایران بنویسد بعد از پیدایش پدیده‌هایی از قبیل تجارت ویدئو، کامپیوتر، وسایل موسیقی، اتومبیل مرسدس از غرب به شرق و سنگ‌های قیمتی، قالی و اجناس ناشناخته دیگری (برای نگارنده) از شرق به غرب، زن و بچه‌اش را روانه غرب کرد تا در اردوگاههای برلن قریبی در اتاقک کوچکی روزگار را بگذرانند و خود به بهانه تحصیل و تجارت مشغول خرید و فروش ارز و هزار کار دیگر شد و زمینه را برای لذت بردن هر چه بیشتر از زندگی با مخموم جدیدش آماده کرد. "آفتاب" با چندبار سفر به غرب توانست آنچنان پولی به جیب بزند که اگر یک کارگر با

مزد متوسط در شوروی ۵۰ سال تمام مشغول کار باشد و یک کوپک از دستمزدش را خرج نکند باز هم نمی‌تواند این مبلغ را جمع کند. آفتاب برای اینکه با پدر و مادرش تماس بگیرد راه سهند و سیلان را طی نکرد، بلکه در مسکو سوار هواپیما شد و سه ساعت بعد از یکی از کیوسکهای تلفن برلن غربی به خانه‌شان زنگ زد. بار اول اشکی ریخت و شادی و غم وجودش را فشرده. اما کثرت سفرها و تلفن‌ها مسئله را برایش هادی کرد و هر بار هم یکی دو بسته سوفاقتی با پول مردم شوروی برای خانواده‌اش فرستاد و بتدریج آنها را هم به کشور شوراهای دعوت کرد و باز با پول همین مردم در مقابل پدر و مادرش برای همین مردم فخر فروشی کرد. بسته به خط فکری‌اش کلی هم به سوسیالیسم بد و بیراه گفت و با آن تعریف و تمجید کرد. (در هر صورت وابسته به هر خطی که بود تله دلش به سوسیالیسم بد و بیراه میگفت و از ویدئوئیسم، مرسدسیسم و برلانیسم تعریف و تمجید می‌کرد.) برای بچه‌اش لاله سرخانه گرفت و کرایه تاکسی را بجای یک روبل ۵ روبل پرداخت و گاهی یک تاکسی را در تمام طول روز به

توضیح و تصحیح

دوست عزیز به نام ابراهیم آزاد طی نامه کوتاهی نوشته‌اند: رفقای عزیز و ارجمند نشریه اکثریت

با درود و سپاس‌های فراوان از زحمات شما به اطلاع می‌رساند: در لیست اسامی شهدای فاجعه ملی در نشریه اکثریت شماره ۳۲۱ مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۹۰ (صفحه ۵ تا ۹) نام شهید مهدی مهرعلیان (برادر همسر اینجانب) از قلم افتاده است در حالیکه در نشریه اکثریت سال‌های گذشته و نشریات سایر سازمان‌ها در سالهای گذشته قید شده بود. در صورتیکه علت خاصی دارد به اینجانبان نیز اطلاع دهید (در صورت امکان خواهش) در غیر این صورت متمنی است تصحیح فرمائید.

با پوزش از این دوست عزیز، یادآور میشویم، که نام شهید مهدی مهرعلیان تنها به علت بی‌دقتی ما از لیست شهدای فاجعه ملی حذف شده است. امیدواریم انتشار این نامه بی‌دقتی ما را جبران کرده باشد.

این دوست عزیز همراه با نامه فوق قطعه شعری نیز فرستاده‌اند که در زیر می‌خوانید. در توضیح این شعر نوشته شده که به یاد دوستی مبارز سرود شده و اکنون به گرامیداشت همه دوستان مبارز خلق که توسط رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی به خون کشیده شده‌اند، تقدیم خوانندگان نشریه اکثریت می‌شود.

عاقبت یک روز

عاقبت یک روز، که زمین از برگ
روپوش طلاییدوز
سر میگذارم بر خاک
و در اندیشه آرام ابد

می‌خواهم

اما باد

یاد مرا

با خویشتن

خواهد برد

به دیارم

که در آن

بر سر هر کوچه

چراغی برپاست

در دل هر خانه

غمی میسود

در پی هر نیم نگاه

رهگذری

و در آنجا

از نو

صدها بار

در ذهن طلوع

می‌شکفم

ابراهیم آزاد پائیز ۶۹

تیول خود درآورد و همچون راننده شخصی از او استفاده کرد. "آفتاب" امروز آنقدر روشن و گویاست که نیازی به توضیح تمام رفتار و کردار و خصلت‌های کسب کرده‌اش نیست. وقتی "آفتاب" شب سفر آغاز کند داستان سفرش نام "سفر مهتاب" به خود می‌گیرد و گویا سیاهی شب بر خصلت‌های واقعی امروزینش پرده می‌افکند و او را با احساسات دیروزش به نمایش می‌گذارد. توانائی نویسنده "سفر مهتاب" در ترسیم این احساسات ستودنی است اما از آنجائی که این احساسات فیرواقعی است دو حالت را می‌توان ممکن دانست:

۱ - این احساسات دقیقاً در گزارش مسافر منعکس بوده که در اینصورت نویسنده مسئول پاسخگوئی به آن نیست و "مهتاب" است که باید روشن کند چند بار قبل از تماس تلفنی‌اش در ایران با خانواده، از برلن غربی با آنها تماس گرفته بوده و دچار چه فحش و ضعف‌هایی شده و با کدام نوشابه الکی و فیرالکی، گازدار و بی‌گاز حالش جا آمده؟ و اینکه چطور ممکن است کسی که جیش را از ثروت مردم شوروی و با

خارج کردن ارز این مردم پری پول می‌کند ممکن است نسبت به مردم مین خودش آنچنان احساسات پاک و نجیبانه‌ای داشته باشد؟

۲ - نویسنده "سفر مهتاب" احساسات پاک خودش را بجای احساسات واقعی "مهتاب" گذاشته تا هر چه بیشتر اشک ما خوانندگان را درآورد. در این صورت بجای اینکه با تیتیر درشت در ابتدای داستان بنویسد: "این داستان براساس گزارش واقعی نوشته شده است" باید می‌نوشت "این داستان فیرواقعی براساس گزارشی واقعی نوشته شده است". این درست است که یک داستان عمدتاً ساخته ذهن توانائی نویسنده‌ای می‌باشد با کمک‌گیری از واقعیات و در این مورد هم این مسئله صدق می‌کند اما یک مشکل کوچک می‌ماند و آنهم همان تیتیر درشت آغاز داستان است.

کلام آخر. هر یک از احتمالات بالا که واقعیت داشته است: به خوانندگان نشریه اکثریت دروغ نگوئیم.

حاشیه‌نشین

۱۹۹۰/۹/۲۰

دانشگاه تازه برای نورچشمی‌ها

"فرزندان شاهد" اختصاص داده شده است. شهریه این دانشگاه سالیانه ۲۵۰ هزار ریال است. حجت الاسلام کروبی رئیس بنیاد شهید هنگام گشایش این دانشگاه اعلام کرد که در سال جاری ۷ میلیون دلار برای وارد کردن وسایل مورد نیاز دانشگاه فوق الذکر اختصاص داده شده است.

تبعیض یکی از پایه‌های حکومت اسلامی است. در حالیکه دانشگاه‌های همومی کشور با کمبود شدید امکانات و وسایل مورد نیاز مواجه هستند، بخش عظیمی از بودجه مملکت صرف تاسیس مراکزی می‌شود که وابستگان رژیم حق استفاده ویژه‌ای از آنان دارند. رفع تبعیض رسمی و اعلام شده در سیستم آموزشی و یکسان کردن امکانات آموزشی برای همه از اهم اقدامات به منظور دموکراتیزه کردن آموزش در کشور ماست.

مصداق حسین: برای صلح انعطاف نشان می‌دهیم

بقیه از صفحه ۳

گفت اگر بوش می‌خواهد در صحران هربستان پایان ریاست جمهوری خود را رقم‌زند، این هدف را بسیار قاطع و با برنامه دنبال می‌کند.

طبق یک نظرخواهی منتشر شده از سوی نشریه "یو.اس.ای. تودی" (آمریکای امروز)، ۵۱ درصد مردم ایالات متحده با سیاست بوش در خاورمیانه موافقت. سهم موافقان این سیاست در ماه اوت ۸۲ درصد بود.

اسقف‌های کلیسای کاتولیک ایالات متحده، دولت این کشور را به خویشتن‌داری در بحران خلیج فارس فراخواندند. دریک بیانیه اسقف‌های کاتولیک آمده است قوای قهریه‌تنه‌ای توان‌آخرین وسیله برای حل بحران خلیج باشد. همچنین ۲۵۰۰ تن از بستگان گروگانه‌های آمریکایی در عراق و کویت واشنگتن خواهان حل دیپلماتیک بحران خلیج فارس شدند.

سفید در مخالفت با این خواست اظهار داشت که ضرورتی برای چنین اجلاسی وجود ندارد. جرج بوش در واکنش نسبت به افزایش مخالفت‌ها در برابر سیاست دولت او در بحران خلیج فارس، اعلام کرد که خواهان همکاری نزدیک با کنگره است. سخنگوی کاخ سفید گفت: "ما قصد نداریم که بدون اطلاع کنگره کاری انجام دهیم." وی افزود رئیس‌جمهور از قانون اساسی آمریکا پیروی کرده با کنگره در برداشتن هرگام، مشورت خواهد کرد. با این حال سخنگوی بوش گفت: "ممکن است این حالت پیش‌آید که، مثلاً در صورت تحریکات پیش‌بینی نشده، رئیس‌جمهور مجبور به صدور دستور مداخله نظامی شود."

حزب دمکرات آمریکا بطور فزاینده‌ای دستور جدید بوش برای اعزام ۲۰۰ هزار نفر دیگر از نیروهای نظامی آمریکا به منطقه خلیج فارس را مورد انتقاد قرار می‌دهد. یک سناتور دمکرات



برلین، ۱۳ نوامبر: ساکنان خانه‌های اشغال شده، برای مقابله با پلیس خیابان را سنگر بندی کرده‌اند.

درگیری‌های شدید در پاریس و برلین

کماکان ادامه خواهد یافت. وزیر آموزش فرانسه بدنال برگرزاری تظاهرات دانش‌آموزان گفت برنامه‌های فوری برای استخدام معلمان بیشتر و تجهیز بهتر مدارس در نظر گرفته شده است.

نقطه آغاز درگیری‌های برلین، اقدام پلیس برای تخلیه چند ساختمان در شرق برلین بود که گروه‌هایی از مردم آنها را به تصرف خود درآورده و تعمیر آنها را به قصد سکونت، آغاز کرده بودند. در نخستین ساعات بامداد سه‌شنبه ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان) حمله حدود ۱۴۰۰ نفر از دانشجویان که از نقاط مختلف آلمان اعزام شده بودند، یک محله شرق برلین را تبدیل به منطقه‌ای جنگ‌زده کرد. درگیری‌ها در این روز بیش از پنج ساعت به طول انجامید. صبح‌روز ۱۴ نوامبر (۲۳ آبان) روی آورده است.

هفته گذشته، پاریس و برلین شاهد درگیری‌های شدید میان افراد پلیس از یک سو، و شرکت کنندگان در تظاهرات دانش‌آموزان و متصرفین خانه‌های خالی از سوی دیگر بود. پلیس فرانسه و آلمان در این دو شهر دهها نفر را دستگیر کردند.

در پاریس بدنال تظاهرات بیش از صد هزار دانش‌آموز علیه کمبود بودجه وامکانات در سیستم آموزش فرانسه، گروه‌هایی از آنها با پلیس درگیر شدند. در جریان این درگیری‌ها در شامگاه دوشنبه ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان)، پلیس بیش از ۹۰ نفر را بازداشت کرد. ژاک شیراک شهردار دست راستی پاریس، دولت سوسیالیست فرانسه را مسئول ناآرامی‌ها دانست. یک سخنگوی دانش‌آموزان معترض اعلام کرد تظاهرات اعتراضی

بریتانیا: حزب محافظه کار در آستانه جنگ قدرت

خواهند کرد. در مقابل، جناح "اروپایی" حزب محافظه کار به رهبری هزل تاین وزیر دفاع پیشین، خود را برای ساقط کردن تاجر حتی پیش از انتخابات مجلس عوام آماده میکند. قرار است روز ۲۲ نوامبر (اول آذر) انتخابات داخلی حزب محافظه کار برای تعیین رهبر حزب برگزار شود. اگر تاجر نتواند از این انتخابات پیروز بیرون آید، به احتمال قریب به یقین از سمت نخست وزیری نیز استعفا خواهد داد.

گفت بزرگترین خطر برای بریتانیا، نه یک واحد پول مشترک اروپایی، بلکه انزوای بریتانیا در اروپاست.

مارگارت تاجر رهبر جناحی از حزب محافظه کار است که با ایجاد وحدت ارزی در بازار مشترک و پیشبرد امر اتحاد سیاسی اروپای فوری مخالفت می‌ورزد. این جناح که تاکنون کنترل دولت لندن را در دست داشته است، از مواضع ناسیونالیستی در برابر پیوستن بریتانیا به اروپای واحد مقاومت میکند، زیرا معتقد است در اروپای واحد، نقش رهبری را دیگران (و به ویژه آلمان) ایفا

سر جفری هاو وزیر خارجۀ پیشین بریتانیا که تا دو هفته پیش معاونت مارگارت تاجر نخست وزیر را بر عهده داشت، پس از استعفا از این مقام طی سخنانی در مجلس عوام بریتانیا، اعضای حزب حاکم محافظه کار را به قطع حمایت از مارگارت تاجر فرا خواند. وی گفت: "زمان آن رسیده است که دیگران مسئولیت‌ها را به عهده گیرند." هاو افزود خود او بیش از حد لازم به تاجر وفادار مانده است. وی مارگارت تاجر را متهم کرد به مخالفت با روند وحدت اروپا، به‌آینده بریتانیا لطمه می‌زند. هاو

ترکیه: تظاهرات زنان علیه بنیادگرایان

(۲۱ آبان) یک دادستان در استانبول به ضرب گلوله افراد ناشناس به قتل رسید. این، سومین ترور در ترکیه ظرف چند هفته اخیر بود. پلیس ترکیه، سازمان چپ‌گرای "دوریمچی سول" (چپ انقلابی) را متهم به دست داشتن در ترورهای اخیر کرده است. اخیراً دو تن از رهبران این سازمان موفق به فرار از زندان شدند.

سوسیال دمکرات ترکیه در مصاحبه‌ای گفت اوضاع کنونی در ترکیه به اوضاع ایران پیش از سرنگونی شاه و قدرت گرفتن خمینی می‌ماند. اینونو نسبت به افزایش نفوذ بنیادگرایان که توانسته‌اند پارلمان را وادار به قبول مجاز بودن "حجاب اسلامی" در دانشگاه‌ها کنند، هشدار داد.

در ماه نوامبر، ترکیه شاهد گسترش اعتراضات زنان علیه افزایش نفوذ بنیادگرایان اسلامی و نقض اصول مربوط به جدایی دین از دولت بود. در تظاهرات بزرگی که در اعتراض به قانون مجاز بودن "حجاب اسلامی" در دانشگاه‌های ترکیه برگزار شد، هزاران زن هوادار جریانات سیاسی مختلف شرکت کردند. هصمت اینونو رهبر حزب

ملاقات گارباچف و یلتسین

شوند. به گفته یلتسین، گارباچف "بطور کلی" از ایده تشکیل دولت ائتلافی استقبال کرده است.

لبه تیز مخالفت یلتسین و جناح او علیه نیکلای ریشکف نخست‌وزیر اتحاد شوروی است. پارلمان ورهبری جمهوری روسیه از چند هفته پیش خواست برکناری ریشکف را مطرح کرده‌اند. تا به حال گارباچف در برابر این خواست مقاومت کرده است.

یکی از نکات گرهی مورد اختلاف، نحوه و آهنگ گذار اقتصاد شوروی به یک اقتصاد مبتنی بر قوانین بازار است. در حالی که یلتسین و طرفدارانش از یک گذار نسبتاً سریع "۵۰۰ روزه" دفاع می‌کنند، ریشکف مخالف تسریع در این گذار و گارباچف مدافع سازشی میان دو طرف است.

میکائیل گارباچف و باریس یلتسین روسای جمهور اتحاد شوروی و جمهوری روسیه روز یکشنبه ۱۱ نوامبر (۲۰ آبان) برای بحث و تبادل نظر پیرامون اختلافات سیاسی، اقتصادی و حقوقی دولت مرکزی و جمهوری روسیه ملاقات کردند. نخست گارباچف و یلتسین دو ساعت به تنهایی به مذاکره پرداختند و سپس نخست‌وزیران اتحاد شوروی و جمهوری روسیه و نیز معاون یلتسین به این نشست پیوستند.

باریس یلتسین در گزارشی که پیرامون این دیدار به شورای عالی (پارلمان) جمهوری روسیه داد، اظهار داشت که به گارباچف پیشنهاد کرده است در اتحاد شوروی، "دولت ائتلافی وحدت ملی" تشکیل شود. طبق پیشنهاد یلتسین، در چنین دولتی می‌بایست سه مقام نخست‌وزیر، وزیر دارایی و وزیر دفاع به پیشنهاد جمهوری روسیه منصوب

دولت جمهوری لیتوانی تصمیم گرفته است دست به انتشار واحد پول جدیدی بزند. قرار است واحدی به نام "لیتس" جای روبل را بگیرد. از سوی دیگر مذاکرات دولت لیتوانی با دولت مرکزی شوروی در مورد مناسبات اقتصادی آتی دو طرف بدنال ترک میز مذاکره از سوی نمایندگان دولت لیتوانی، ناتمام ماند.

گارباچف روز سه‌شنبه ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان)، مذاکرات خود با یلتسین را "مستولانه، جدی و



گارباچف، یلتسین و ریشکوف در مراسم سالگرد انقلاب اکتبر

نخست وزیر ایتالیا:

سیستم امنیت جمعی پس از حل بحران فعلی خلیج فارس

اصرار ورزید. دمیکلیس در مصاحبه مطبوعاتی خود با یکی از نشریات ایتالیائی گفت: "اگر جنگی صورت بگیرد عکس العمل‌های منفی و فیر قابل کنترلی در خاورمیانه شکل خواهد گرفت که باعث تقویت نیروهای بنیادگرای اسلامی خواهد شد."

نیروهای عراقی از کویت و آزادی همه گروگانهای خارجی در عراق تأکید کرد.

همزمان جیانی دمیکلیس وزیر امور خارجه ایتالیا ضمن ابراز هراس خود از تقویت رادیکالیسم در خاورمیانه بر حل صلح آمیز بحران خلیج فارس

جولیو آندروئتی، نخست وزیر ایتالیا خواهان بوجود آمدن یک سیستم امنیت جمعی پس از حل بحران فعلی خلیج فارس شد.

آندروئتی پس از ملاقات با جرج بوش رئیس‌جمهور و جیمز بیکر وزیر امور خارجه آمریکا بر خواسته قبلی ایتالیا مبنی بر خروج

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید باتکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
شش ماهه	۱۱۰ مارك	۱۳ مارك
يك ساله	۲۱۰ مارك	۲۴ مارك

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
شش ماهه	۳۲ مارك	۳۹ مارك
شش ماهه	۶۲ مارك	۷۶ مارك
يك ساله	۱۲۰ مارك	۱۵۰ مارك

آدرس كامل (لطفاً خوانا بنویسید)

چاندر اشکار نخست وزیر هند شد

همانگونه که پیش‌بینی می‌شد، بدنال شکست دولت وی. پی. سینگ در گرفتن رای اعتماد از مجلس نمایندگان هند، چاندر اشکار رهبر جناح انشعابی از حزب جاناتا - دال، حزب وی. پی. سینگ، به عنوان نخست وزیر جدید هند منصوب گردید.

طرفداران چاندر اشکار از ۵۲۴ کرسی پارلمان هند تنها حدود ده درصد را در اختیار دارند، اما حزب کنگره به رهبری راجیو گاندی با ۱۹۵ نماینده و نیز نمایندگان منفرد نزدیک به حزب کنگره اعلام کرده‌اند که از دولت جدید حمایت "بی قید و شرط" خواهند کرد.

ماه‌های آینده نشان خواهد داد که این حمایت تا چه حد "بی قید و شرط" خواهد بود. ناظران معتقدند حزب کنگره منتظر فرصت مناسبی در جریان تغییر و تحول آرایش قوا و نظرات مردم است تا با قطع حمایت از دولت چاندر اشکار، باعث برگزاری انتخابات زودرس شود.

AKSARIYAT
NO 327
MONDAY 19. Nov. 1990

آدرس: RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
GERMANY

اکثریت
نشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور

حساب بانکی: M.ABD
NR-35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

کد بانک: